

Content Analysis of Financial Fraud Theories and Providing a Multi-Dimensional Meta-model of Fraud

Mohammad Namazi*

Professor, Faculty of Economics, Management and Humanities, Accounting
Department, Shiraz University, MNamazi@rose.shirazu.ac.ir

Somayyeh Hosseini-Nia

Ph.D. student, Faculty of Economics, Management and Humanities, Accounting
Department, Shiraz University, Sommaye.hosseini69@gmail.com

Abstract

Purpose: The purpose of this study is to examine the evolution of financial fraud theories and presentation of the meta-model of fraud, which explains the financial and non-financial incentives for committing fraud in the form of different models. The problem of research includes the followings: What are the most important motives for committing fraud? Which fraud model can explain the motives for committing fraud in more detail? And what are the results of these models for accountants?

Methodology: This research uses content analysis and meta-analysis techniques for published researches related to fraud in time period of 1950-2017.

Findings: The findings of the study showed that important fraud model in the 1950s began with "fraud triangle ", which included three dimensions of pressure, opportunity and justification, and the financial problems, the weakness of internal control system, and the unfavorable situation of work were identified as a fraud motive. In the 1980s, personal characteristics and the work environment were identified, and then "person integrity" was introduced. In the 1990s, behavioral factors, especially reputation, subjective norms, and control over tendency, were identified as the motivating factor for managers. In the 2000s, the "individual capabilities" including intelligence, the position, and role of the individual were identified, and cultural and social dimensions were considered. Since 2010, there has been consideration to meta-models.

Conclusion: The provided mete-model of this study includes financial and non-financial dimensions and is divided into four general categories of conditions, situational, normative, and human intelligence; each of them can be analyzed in three levels: individual, organizational, and international.

Contribution: In this study, the components of fraud triangle and its four components (motivation / pressure, opportunity, orientation / justification and capability) are studied simultaneously and based on it, a comprehensive meta-model was presented.

Keywords: Financial Fraud, Fraud Diamond, Fraud Triangle, Multi-Dimensional Meta-Model, White-Collar Crime

تحلیل محتوای نظریه‌های تقلب مالی و ارائه فرالگویی چندبعدی تقلب

محمد نمازی*

نویسنده مسئول: استاد حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، بخش حسابداری، دانشگاه شیراز

MNamazi@rose.shirazu.ac.ir

سمیه حسینی‌نیا

دانشجوی دکتری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، بخش حسابداری، دانشگاه شیراز.

Sommaye.hosseini69@gmail.com

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، بررسی سیر تطور نظریه‌های تقلب مالی و ارائه فرالگویی تقلب است که انگیزه‌های مالی و غیر مالی مربوط به ارتکاب تقلب را در قالب الگوهای مختلف تشریح نماید. مسأله پژوهش شامل موارد زیر می‌گردد: مهم‌ترین انگیزه‌های ارتکاب تقلب چیست؟ کدام الگوی تقلب می‌تواند انگیزه ارتکاب تقلب را کامل تر توضیح دهد؟ و نتیجه حاصل از این الگوها برای حسابداران چیست؟
روش پژوهش: این پژوهش با استفاده از فن تحلیل محتوا و به کارگیری فراتحلیل مقاله‌های لاتین چاپ شده در زمینه تقلب برای دوره زمانی ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۷ صورت گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های مطالعه نشان داد که الگوی تقلب در دهه ۱۹۵۰ از «مثلث تقلب»، که شامل سه بعد فشار، فرصت و توجیه است، شروع شده و مشکل مالی، سیسم ضعیف کنترل داخلی و وضعیت نامطلوب کاری به عنوان انگیزه‌های تقلب شناسایی شدند. در دهه ۱۹۸۰، ویژگی‌های شخصی و محیط شغلی شناسایی و وجه «کمال شخص» معرفی شد. در دهه ۱۹۹۰، عوامل رفتاری، به‌ویژه شهرت، هنجارهای ذهنی و کنترل بر تمایل، به‌عنوان عوامل انگیزه تقلب مدیران شناسایی شدند. در دهه ۲۰۰۰، وجه «قابلیت شخص» شامل هوش، موقعیت و نقش فرد، شناسایی و به ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز توجه شد. از سال ۲۰۱۰ تاکنون، به فرالگوها توجه شده است. **نتیجه‌گیری:** فرالگویی ارائه شده در این مطالعه، دارای ابعاد مالی و غیر مالی است و در چهار دسته کلی شرايطی، موقعیتی، هنجاری و هوش انسانی قرار گرفته که هر یک از این چهار بعد را می‌توان در سه سطح کلی فردی، سازمانی و بین‌المللی مورد تحلیل قرار داد.

دانش‌افزایی: در این مطالعه، اجزاء لوزی تقلب و چهار جزء آن (انگیزه/فشار، فرصت، گرایش/توجیه و قابلیت)، به صورت هم‌زمان مورد مطالعه قرار است و بر این اساس فرالگویی جامع ارائه شد.

واژگان کلیدی: تقلب مالی، جرم یقه سفید، فرالگویی چند بعدی، لوزی تقلب، مثلث تقلب

۱- مقدمه

تقلب مالی^۱ در عملیات تجاری و بازار سرمایه، به علت تأثیرهای مخرب آن بر عملیات و رفتار شرکت با ذی‌نفعان مختلف، توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است (کرانچر^۲ و همکاران، ۲۰۰۸: ۵۰۷). فعالیت‌های متقلبانه متنوعی وجود دارند که اغلب منجر به زیان‌های مستقیم گوناگونی همانند هزینه‌های قانونی، ادعاهای مشتریان و جریمه‌های قانونی می‌شوند. با وجود این، در مقابل زیان‌های مستقیم، زیان‌های غیرمستقیم همانند فرصت‌های مالی، بازار رقابت محصول و شهرت شرکت بحرانی‌تر هستند و مانع توسعه و پایداری شرکت می‌شوند (کارپف^۳ و همکاران، ۲۰۰۸: ۵۸۲). مرور ادبیات تحقیق داخل کشور نشان می‌دهد که، اگرچه پژوهش‌های نافع و متعددی در این زمینه انجام شده است (به عنوان نمونه، پورحیدری و بذرافشان، ۱۳۹۱؛ صدیقی‌کمال، ۱۳۹۲؛ سجادی و کاظمی، ۱۳۹۵؛ رهروی‌دستجردی و همکاران، ۱۳۹۶ و خواجه‌وی و ابراهیمی، ۱۳۹۷)، اما اکثر آن‌ها به تعریف و بررسی تقلب به صورت توصیفی پرداخته‌اند و در پژوهش‌های تجربی، تنها تأثیر چند متغیر مربوط به تقلب مورد مطالعه قرار گرفته است. بررسی مطالعات خارجی مربوط به تقلب (که در بخش‌های بعد به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت) نشان می‌دهد که تاکنون الگوهای متعددی در زمینه تقلب معرفی شده است، اما این الگوها نیز محدود به بررسی رابطه بین چند متغیر است. افزون بر این، مشخص نیست کدام یک کامل‌تر و جامع‌تر بوده و برای حسابداری مناسب‌تر است. از آن‌جا، پرسش‌های مهم این پژوهش عبارتند از این‌که مهم‌ترین انگیزه‌های ارتکاب تقلب چیست؟ کدام الگوی تقلب می‌تواند انگیزه ارتکاب تقلب را کامل‌تر توضیح دهد؟ و کدام یک برای حسابداران قابل استفاده‌تر است؟

هدف اصلی این پژوهش پاسخ به پرسش‌های بالا و بررسی ادبیات حسابداری به منظور تعیین انگیزه‌های تقلب مالی است. هدف دیگر، بررسی سیر تکاملی الگوهای اولیه تقلب و جرم‌های مالی شامل مثلث تقلب و کارهای با اهمیت بعدی است. هدف نهایی ارائه چارچوبی به هم پیوسته در قالب فرالگو برای بررسی نظریه‌های تقلب است تا به بررسی جنبه‌های رفتاری و ماهیت تقلب پرداخته شود. اهمیت این مقاله این است که انگیزه‌های مالی و غیر مالی مربوط به ارتکاب تقلب را در قالب الگوهای مختلف تشریح می‌نماید. هم‌چنین، با توجه به خسارت‌های زیاد تقلب به اقتصاد کشورها و از جمله ایران تلاش می‌شود تا الگویی جامع برای پیشگیری از تقلب نیز ارائه شود. افزون بر این، به پژوهشگران در انتخاب الگوی کامل‌تر حسابداری در زمینه تقلب کمک می‌کند زیرا یکی از مسائل مهم پژوهشگران، وجود الگوهای زیاد تقلب (مثلث تقلب^۴، لوزی تقلب^۵ و غیره) ارائه شده به وسیله پژوهشگران قبلی است. در این‌گونه موارد پژوهشگران جدید مطمئن نیستند که کدامیک از الگوها را باید مبنای مطالعه و پژوهش خود قرار دهند. در این

صورت این مقاله می‌تواند کمک شایانی به پژوهشگران جدید در این زمینه کند. بخش‌های بعد به بیان مبانی نظری، روش پژوهش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری و پیشنهادها می‌پردازند.

۲- مبانی نظری

تعریف‌های زیادی از تقلب در مفهوم کلی خود در حرفه وجود دارد (صدیقی کمال، ۱۳۹۲: ۱۱۶، اعتمادی و عبدلی، ۱۳۹۶: ۲۵). برای اینکه عملی تقلب در نظر گرفته شود، مرتکب‌شونده باید از عمل خیانت آگاهی و قصد فریب داشته باشد و گروه قربانی باید از زیان‌های به وجود آمده رنج ببرد یا دچار آسیب شوند (راس، ۲۰۱۰). از نظر سینگلتون^۷ و همکاران (۲۰۰۶: ۲-۱): تقلب اصطلاحی عمومی است و شامل تمام راه‌های گوناگونی می‌شود که شامل ابتکارات و مهارت‌های انسانی است که به وسیله افرادی برای کسب منفعت از چیزی با غلط نشان دادن آن انجام می‌شود. هیچ قانون صریح و ثابتی را نمی‌توان به عنوان گزاره کلی در تعریف تقلب منظور نمود، به این دلیل که شامل راه‌های حیرت‌انگیز، نیرنگ‌گونه، حيله‌گرایانه و غیرمنصفانه است که به وسیله آن‌ها دیگران را فریب می‌دهند. تنها مرزهای تعریف آن مواردی است که رذالت‌های انسانی را محدود می‌کند.

سیستم گزارشگری مالی همواره در جلب اعتماد عمومی با بحران‌هایی مواجه بوده است. افزایش شمار تقلب‌ها نگرانی‌هایی را در مورد صورت‌های مالی به وجود آورده است (پورحیدری و بذرافشان، ۱۳۹۱: ۲۹). تقلب مالی از زمان‌های قدیم وجود داشته (دورمینی^۸ و همکاران، ۲۰۱۲: ۵۵۶) است. در حال حاضر، تقلب صورت‌های مالی در حال رشد است (کراویتز^۹، ۲۰۱۲: ۲۶) و به عنوان تقلب حسابداری، تقلب مدیریت یا گزارشگری مالی متقلبانه شناخته می‌شود.

تقلب‌های مالی با استفاده از نظریه‌های اخلاق و رفتار^{۱۰} قابل بررسی است. برای مثال، السید^{۱۱} (۲۰۱۷: ۲) در پژوهش خود از بارنمان و وایت^{۱۲} (۲۰۱۴) نقل می‌کند که «تقلبات حسابداری به کمبود رفتار اخلاقی مانند عدم راستگویی، نقض اعتماد و مسئولیت‌های حرفه‌ای وابسته است. دلیل آن این است که یک محیط اخلاقی رفتار متقلبانه را نمی‌پذیرد و پنهان‌سازی تقلب را سخت می‌کند».

بر اساس نظریه توسعه اخلاقی، افراد نظریاتی درباره مباحث اخلاقی طبق نظر شخصی خود از درست یا نادرست بودن (هنجارهای اخلاقی درونی)، افکار والدین خود، افکار دیگران از طریق درک و تجربه نتایج احتمالی را بسط می‌دهند (کلبرگ و هرش^{۱۳}، ۱۹۷۷: ۵۶). بنابراین، مدیران با سطح هنجارهای اخلاقی درونی بالا تمایل کم‌تری به ارتکاب تقلب دارند و در مقابل مدیران با سطح پایین هنجارهای اخلاقی درونی تمایل بیشتری به ارتکاب تقلب دارند.

برخی مطالعات مربوط به تقلب مدیریت در راستای نظریه‌های جرم‌شناسی (یقه سفید) و جامعه-شناسی همانند نظریه ارتباط تفاضلی^{۱۴} و نظریه کشش عمومی^{۱۵} هستند. جرم‌های یقه سفید

تحلیل محتوای نظریه‌های تقلب مالی و ارائه فرآینگوی چندبعدی تقلب/۵

به‌وسیله ساترلند^{۱۶} ابداع شدند و این‌گونه جرم‌ها را به عنوان جرم‌های مالی و غیرخسونت‌آمیز، که به‌وسیله رهبران سازمان‌ها در زمان دوره تصدی آن‌ها از طریق یادگیری و ارتباط با گروه‌هایی که آن‌ها را برای ارتکاب جرم‌های مالی تحت تأثیر قرار می‌دهند، تعریف کرد (کولار^{۱۷} و همکاران، ۲۰۱۴: ۵۵۷). این نوع نظریه‌ها بر تأثیر ساختارهای اجتماعی و تأثیر اجتماع بر درک و رفتار افراد به علت اعمال و فشارهای دیگران تأکید دارند (آگنو^{۱۸}، ۲۰۱۲: ۳۷).

تقلب مالی با آرزوی رسیدن به اهداف، رقابت ناسالم، ترس از دست دادن شغل یا پاداش، همکاری‌های مجرمانه و چالش در برآورد کردن اهداف مالی بیشتر می‌شود. در دهه‌های مختلفی نظریه‌های گوناگونی مطرح شده که در بخش‌های بعد به آن پرداخته می‌شود.

۲-۱- نظریه‌های غالب در دهه ۱۹۵۰

۲-۱-۱- مثلث تقلب

کریسی^{۱۹} (۱۹۵۰، ۱۹۵۳) سه معیار برای نقض اعتماد متخلفان در نظر گرفت: ۱. مشکل مالی غیرمشترک، ۲. آگاهی از عملکرد یک شرکت خاص و فرصت نقض موقعیت اعتمادی آن، و ۳. توانایی تنظیم و ایجاد خودآزمایی فردی که نقض این اعتماد در ذهن وی رفتاری مجرمانه نیست (کریسی، ۱۹۵۰: ۷۴۱). وی بیان کرد که برای ارتکاب تقلب، هر یک از این سه معیار باید وجود داشته باشد: فشار درک‌شده، فرصت درک‌شده و توجیه (کریسی، ۱۹۵۰: ۷۴۳-۷۴۲). نگاره ۱ نمایشی از نظریه وی را نشان می‌دهد که در نهایت بسط یافت و امروزه به عنوان «مثلث تقلب» شناخته می‌شود.

فشار مشکل مالی غیرمشترک، انگیزه برای جرم را به وجود می‌آورد. بعد فرصت برای ارتکاب، پنهان‌سازی و ممانعت از مجازات است. این جزء اشاره به سیستم ضعیف در کنترل داخلی شرکت دارد، جایی که کارمندان دارای اختیار و توانایی برای دستکاری و در نهایت، امکان‌پذیری ارتکاب تقلب را دارند (رای و سابرامانیام^{۲۰}، ۲۰۰۸: ۱۰۶). برای مثال، نبود سیستم کنترل داخلی مناسب همانند نظارت نامناسب و نبود تفکیک وظایف ممکن است به کارکنان اجازه دهد تا از تخصیص وجوه سوء استفاده کنند (اومار و دین^{۲۱}، ۲۰۱۰: ۶۰۷). به این دلیل که در بعد فرصت، کنترل ضعیفی وجود دارد و احتمال وقوع کنترل ضعیف است، این بعد مستلزم توانایی ارتکاب عمل، بدون کشف است.



نگاره ۱: معیارهای مثلث تقلب، منبع: دورمینی و همکاران، ۲۰۱۲: ۵۵۸

توجیه، تلاش برای کاهش اختلال شناختی درون فرد است (فستینگر^{۲۲}، ۱۹۵۷: ۷۳). کریسی (۱۹۵۰، ۱۹۵۳) به این نتیجه رسید افرادی که مرتکب تقلب شدند، مایلند که در منطقه بی‌خیالی اخلاقی خود باقی بمانند. بنابراین، حداقل از درون، متقلبان به دنبال توجیه اعمال متقلبانه خود قبل از انجام اولین تقلب هستند. فرد متقلب نمی‌خواهد به عنوان متجاوز اعتماد در نظر گرفته شود، بلکه معضل خود را به عنوان یک استثناء در نظر می‌گیرد (وضعیتی که به آن‌ها اجازه نمی‌دهد که خودشان را در حالتی منفی ببینند).

با وجود اهمیت نظریه مثلث تقلب، این نظریه از موارد زیر رنج می‌برد: عدم بررسی رفتارهای متقلبانه، پایمالی مقررات به‌وسیله مدیریت، انگیزه‌های محدود تقلب به نیازهای مالی، توجیه غیرقابل مشاهده و تنها تمرکز بر تصمیم‌گیری افراد (دورمینی و همکاران، ۲۰۱۲: ۵۷۵). هم‌چنین، از این الگو به دلیل نادیده گرفتن دیگر ابعاد تقلب (همانند زمان) و مسائل مربوط به قدرت و ابعاد گسترده اجتماعی و اقتصادی انتقاد شده است (کوپر^{۲۳} و همکاران، ۲۰۱۳: ۴۴۲). آلبریچ^{۲۴} (۲۰۰۹: ۳۳) نیز به این دلیل که مثلث تقلب تنها یک بعد روانشناسانه متقلبان اولیه را ارائه می‌کند، این الگو را نقد می‌کند. افزون بر این، دانگان و گانان^{۲۵} (۲۰۰۸: ۷) مثلث تقلب و پژوهش‌های تقلب را به دلیل نداشتن هیچ تأیید واقعی، نادیده گرفتن دیگر عواملی که در تقلب مشارکت دارند مورد انتقاد قرار می‌دهند. سیزلویز^{۲۶} (۲۰۱۲: ۲۲۸) نیز، مثلث تقلب را به این دلیل که اثرات تبانی و فرهنگی را توضیح نمی‌دهد، نقد می‌کند. وی پیشنهاد می‌دهد که فرهنگ نقش مهمی بر عهده دارد به‌ویژه فاصله قدرت هوفستد^{۲۷} (۱۹۸۰، ۱۹۹۱) که مثلث تقلب آن‌ها را نادیده گرفته است.

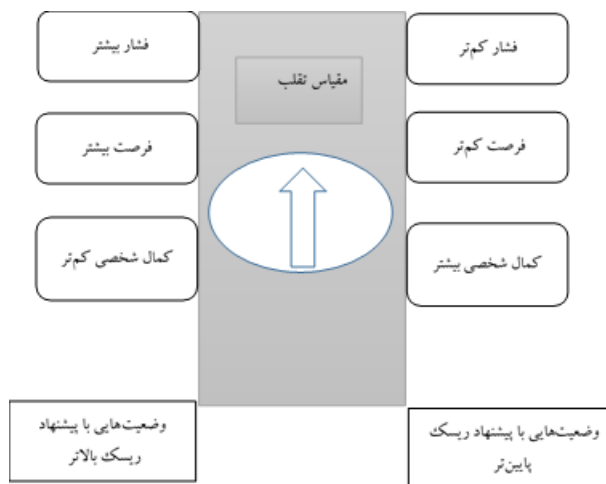
۲-۲- نظریه‌های غالب در دهه ۱۹۸۰

۲-۲-۱- مقیاس تقلب (۱)

مقیاس تقلب^{۲۸} که به‌وسیله آلبریچ و همکاران (۱۹۸۴) به‌وجود آمد، ویژگی‌های شخصی و محیط شغلی را ترکیب می‌کند. جایی که اعمال افراد تحت فشارهای شغلی برای دستیابی به هدفی خاص به عنوان تقلب توصیف می‌شود. مقیاس تقلب در اوایل دهه ۱۹۸۰ از طریق تجزیه و تحلیل ۲۱۲ تقلب ارائه شد. مبنای این مطالعه اطلاعات دریافتی از حساب‌برسان داخلی شرکت‌هایی بود که قربانی تقلب شده بودند. آلبریچ و همکاران (۱۹۸۴) طرفدار جایگزینی بعد توجیه با سازه‌های

تحلیل محتوای نظریه‌های تقلب مالی و ارائه فرآینگوی چندبعدی تقلب/۷

قابل مشاهده‌تر همانند کمال^{۲۹} شخصی بودند. آن‌ها اعتقاد داشتند که پیش‌بینی تقلب و آشکارسازی مرتکبان تقلب شغلی (به عنوان گروه) سخت است. بر اساس نتایج مطالعه، آن‌ها مقیاس تقلب را پیشنهاد دادند که متکی بر دو جزء فشار و فرصت از مثلث تقلب است اما، توجه به کمال شخصی جایگزین شده است. نگاره ۲، مقیاس تقلب را نشان می‌دهد. برای عملیاتی‌کردن مقیاس تقلب، سطح ریسک تقلب به وسیله فشار، فرصت و کمال تعیین می‌شود. برای مثال، زمانی که فشار و فرصت بالا و کمال در سطح پایینی است، احتمال روی دادن تقلب نسبت به حالت عکس آن که همه چیز در تعادل و ریسک تقلب خنثی است، بیشتر است (دورمینی و همکاران، ۲۰۱۲: ۵۶۱).



نگاره ۲: مقیاس تقلب، منبع: دورمینی، فلمینگ، کرانچر و ریلی، ۲۰۱۲: ۵۶۱

۲-۳- نظریه‌های غالب در دهه ۱۹۹۰

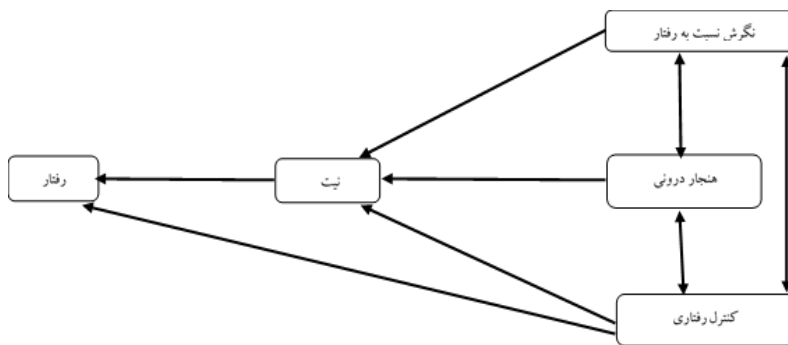
۲-۳-۱- مکعب تقلب

مکعب تقلب^{۳۰} به وسیله دوست^{۳۱} (۱۹۹۰) طراحی شد. بحث اصلی این الگو ایدئولوژی است و این که وی اعتقاد داشت که جرائم رایانه‌ای دارای سه بعد رابطه، تخصص و انگیزه است.

۲-۳-۲- نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده

نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده^{۳۲}، که به آجزن^{۳۳} (۱۹۹۱) ارجاع داده می‌شود، در برگرفته سازه‌های نگرش نسبت به رفتار، هنجار درونی و کنترل رفتاری است که بر نیت اثر می‌گذارد (آجزن، ۱۹۹۱: ۱۸۱). نگاره شماره ۳ اجزاء این نظریه را نشان می‌دهد.

کارپنتر و ریمرز^{۳۴} (۲۰۰۵) به بررسی اثر عوامل نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده شهرت، هنجارهای ذهنی و کنترل بر تمایل مدیران شرکت‌ها برای نقض استانداردهای پذیرفته شده حسابداری و ارائه غیراخلاقی گزارشگری مالی متقلبانه به‌وسیله به تعویق انداختن هزینه‌ها برای رسیدن به اهداف سودی پرداختند. نمونه آن‌ها ۷۳ دانشجوی مدیریت اجرایی بود که از طریق پرسشنامه، طیف لیکرت هفت امتیازی به سنجش متغیرهای نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که شهرت، قوی‌ترین رابطه با انجام گزارشگری مالی متقلبانه را دارد. به این معنی که شهرت، تصمیم‌های مربوط به رفتار غیراخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کارپنتر و ریمرز، ۲۰۰۵: ۱۲۵).



نگاره ۳: نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، منبع: آجزن، ۱۹۹۱: ۱۸۲

نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده نشان می‌دهد که لزوم توضیح رفتار، قصد و نیت‌ها به‌وسیله ۱. نگرش نسبت به رفتار، ۲. هنجارهای اجتماعی و ۳. ادراک کنترل بر رفتار شکل می‌گیرند. اعتقادات منبع نهایی این نگرش‌ها، هنجارها و ادراک‌ها هستند. مطابق نگاره ۴، سه بعد نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، نگرش نسبت به رفتار (در مقابل تقلب)، هنجارهای درونی و کنترل رفتاری درک شده هستند. این نظریه الگوی تقلب نیست ولی، با این وجود، هدف آن توضیح هر عمل برنامه‌ریزی شده یا عمدی است. به این علت که اعمال متقلبانه لزوماً رفتارهای برنامه‌ریزی شده‌ای هستند، چارچوب نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده به پژوهش‌های تقلب مالی مربوط است. راندال و گیسون^{۳۵} (۱۹۹۱: ۱۱۲) به این نتیجه رسیدند که نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده به گونه موفقیت‌آمیزی تصمیم‌گیری اخلاقی در حرفه پزشکی را نشان می‌دهد. این نظریه الگویی پیش-بینی‌کننده از نیت رفتاری در چارچوب اخلاقی تجاری پیشنهاد می‌دهد. هم‌چنین، راهنمایی‌های مفیدی برای رهبرانی که به دنبال بهبود جو اخلاقی کاری در سازمان‌ها هستند، ارائه می‌کند (کارپنتر و ریمرز، ۲۰۰۵: ۱۱۶).

۲-۴- نظریه‌های غالب در دهه ۲۰۰۰

۳-۴-۱- لوزی تقلب

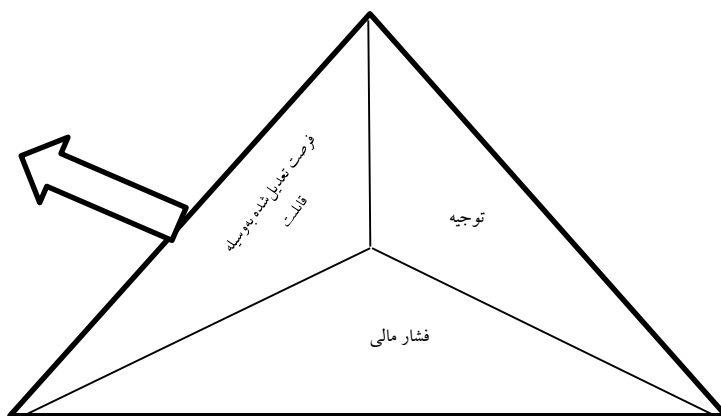
لوزی تقلب (ارائه شده در نگاره ۴) به‌وسیله ولف و هرمانسون^{۳۶} (۲۰۰۴) مطرح شده است که در آن ضلع چهارم قابلیت به مثلث تقلب اضافه کردند. آن‌ها استدلال کردند که وجود سه عامل مثلث تقلب بدون شخصی که توانایی بهره‌برداری از فرصت‌ها را داشته باشد بی‌معنی است. ویژگی‌های مهمی که برای ارتکاب تقلب ضروری به نظر می‌رسند، شامل ترکیبی از هوش، موقعیت، نقش و توانایی مقابله با استرس هستند. عملکرد یا موقعیت شخص در درون سازمان ممکن است توانایی خلق یا بهره‌برداری از فرصتی برای تقلب را به وجود آورد. افزون بر این، مرتکب‌شوندگان احتمالی باید دانش لازم برای درک و بهره‌برداری از ضعف‌های کنترل داخلی را داشته باشند و از موقعیت و عملکرد و اختیار دسترسی به مزایا استفاده کند. بزرگ‌ترین تقلب‌هایی که روی داده‌اند به‌وسیله اشخاص باهوش، با تجربه و خلاق که دارای فهم کامل از کنترل‌ها و حساسیت شرکت بودند، انجام شده‌اند (دورمینی و همکاران، ۲۰۱۲: ۵۶۵).

بنابراین، علاوه بر آگاه و مطمئن بودن، یک متقلب موفق با استرس ناشی از ارتکاب و پنهان‌سازی تقلب به خوبی کنار می‌آید.

در مفهوم مثلث تقلب، قابلیت، توانایی ایجاد فرصت را با محدود کردن فرصت به مجموعه کوچکی از افراد که فکر می‌کنند توانایی لازم را دارند، تعدیل می‌کند. بنابراین، احتمالاً قابلیت، این احتمال که فرد ممکن است از فرصت‌ها در محیط کنترلی سازمان بهره‌برداری کند را تحت تأثیر قرار می‌دهد (نگاره ۴).

هابر^{۳۷} (۲۰۱۷: ۴۳) لوزی (مثلث) تقلب را مورد نقد قرار می‌دهد، وی می‌گوید: لوزی تقلب شامل انگیزه، فرصت، توجیه و قابلیت است. هیچ چیز در لوزی تقلب و الگوهای بعد و قبل از آن اشاره به قصد و اشتباه عمدی در تهیه صورت‌های مالی و یا صدمه اشخاص به یکدیگر وجود ندارد. اجزاء لوزی (مثلث) تقلب اشاره به دزدی (اختلاس) دارد، اما اختلاس جرم تقلب نیست. مثلث تقلب به‌وسیله چارچوب اختلاس کریسی به وجود آمد که برای توضیح چرایی انجام اختلاس به‌وسیله اختلاس‌گران بسط یافت و بعد از تعریف مجدد چارچوب اختلاس کریسی برای کاربرد آن در تقلب آن را به عنوان «مثلث تقلب» نام‌گذاری کردند.

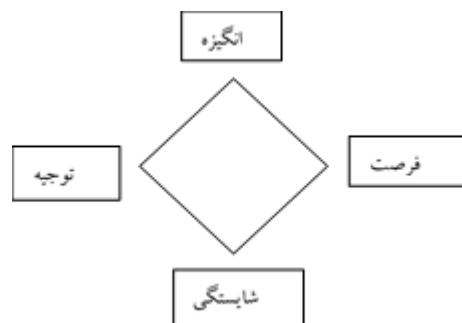
لوزی تقلب ارزیابی از فرصت را
تعدیل می‌کند.
بدون قابلیت برای بهره‌برداری از
ضعف‌های کنترل داخلی، تقلب
روی نمی‌دهد.



نگاره ۴: تأثیر لوزی تقلب بر مثلث تقلب، منبع: دورمنی، فلمینگ، کرانچر و ریلی، ۲۰۱۲: ۵۶۵

۲-۴-۲- مربع تقلب (۱)

مربع تقلب^{۳۸} ارائه شده در نگاره ۵، به وسیله بریسلر و بریسلر^{۳۹} (۲۰۰۷) به وجود آمد. آن‌ها، الگویی سه مرحله‌ای ارائه کردند تا مدیران از آن برای جلوگیری، کشف و جبران فعالیت‌های مجرمانه استفاده کنند (. بریسلر و بریسلر، ۲۰۰۷: ۳۰). در مرحله جلوگیری، کسب و کار باید به توسعه روش‌های پیشگیرانه بپردازد که می‌تواند اقدامات فرد فرصت‌طلب که به دزدی و سوسه می‌شود را به تعویق اندازد. این روش‌ها عبارتند از پیش‌زمینه کارمند و اعتبار وی. در موارد احتمالی که روش‌های پیشگیرانه توانایی حذف تمام فعالیت‌های مجرمانه احتمالی را ندارند، کسب و کار باید از رویه‌های کشف جرم استفاده کند. بسیاری از این رویه‌ها برای مالک کسب و کار نسبتاً ساده و ارزان هستند، از جمله بررسی یا تهیه صورت مغایرت بانکی و انجام حسابرسی غیرمنظم. هم‌چنین، مالک کسب و کار باید بر روی نرم‌افزارهای سیستم اطلاعاتی حسابداری که مشکلات احتمالی را نشان می‌دهد، سرمایه‌گذاری کند.



نگاره ۵: مربع تقلب، منبع مککویوس و گریناس، ۲۰۱۳: ۱۵۲

افزون بر این، استفاده از حسابرسی داخلی و مستقل برای کاهش تقلب حقوق و دستمزد و حسابداری لازم است. یکی از راه‌های جبران تحت تعقیب قرار دادن مجرمان است که متأسفانه بسیاری از کسب و کارهای کوچک و مؤسسات غیر انتفاعی به این مورد توجهی ندارند. در نهایت، آن‌ها برای بهبود مثلث تقلب الگویی در قالب مربع تقلب پیشنهاد دادند. چهار جزء مربع تقلب پیشنهادی آن‌ها عبارت است از: انگیزه، فرصت، شایستگی و توجیه که در نگاره ۶ نشان داده شده است.

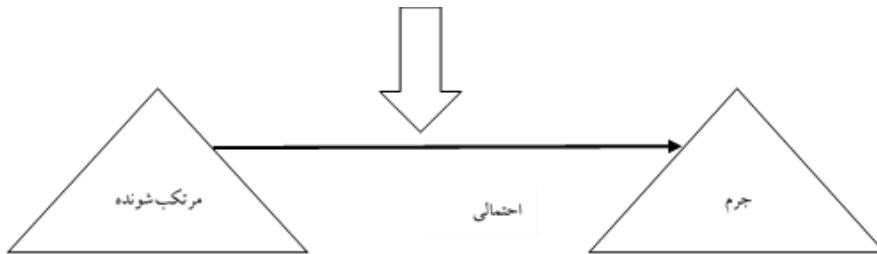
۲-۴-۳- پنج ضلعی تقلب (۱)

پنج ضلعی تقلب^{۴۰} اول در سال ۲۰۰۹ به وسیله مارکر^{۴۱} معرفی شد. وی ابعاد خودبینی و قابلیت را معرفی کرد.

۲-۴-۴- تحلیل ای بی سی (A. B. C.) از جرم یقه سفید^{۴۲}

رامامورتی^{۴۳} و همکاران (۲۰۰۹: ۱۲) مدل ای بی سی را ارائه دادند که اثر متقابل اشخاص، سازش برخی افراد و سازوکارهای فرهنگی و اجتماعی که بر تقلب اثر می‌گذارند را شناسایی می‌کند. در حالی که پژوهش‌ها و نظریه‌های قبلی اجزاء مثلث تقلب را تعدیل می‌کنند، الگوی تقلب ای بی سی، محور احتمال را تعدیل می‌کند که شرایط قبلی مثلث تقلب را گسترش می‌دهد. این نظریه در نگاره ۶ نشان داده شده است. رامامورتی و همکاران (۲۰۰۹: ۱۱) مدل ای بی سی را برای تحلیل و تقسیم‌بندی تقلب به شرح زیر پیشنهاد دادند: یک سیب بد، یک پیمانانه بد و یک محصول بد^{۴۴}. محصول بد به راهکارهای فرهنگی و اجتماعی اشاره دارد که بر میزان نسبی تقلب تأثیر می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین نتایج رامامورتی و همکاران (۲۰۰۹: ۲۵) مفهوم محصول بد است که بیانگر کمبود اخلاق در سطح بالای سازمان است و این کمبود در سراسر سازمان و احتمالاً فرهنگ و جامعه فراگیر است.

در مقایسه با مثلث تقلب و اصلاحات زیاد بعد از آن که مرتکب‌شوندگان را به عنوان واحد تحلیل در نظر می‌گیرند، نظریه، ای بی سی اثرات محیطی و فرهنگی را به عنوان مرتکب‌شوندگان در نظر می‌گیرد. افزون بر این، با در نظرگیری مسائل روانشناسی، مرتکب‌شوندگان و قربانیان دستاوردهای بسیاری به دست می‌آید. نظریه ای بی سی زمانی که تقلب را در نظر می‌گیرد فرض تبانی شخصی به سمت تبانی گروهی و عوامل فرهنگی و محیطی را دنبال می‌کند.



نگاره ۶: تأثیر الگوی تقلب ای بی سی بر مثلث تقلب

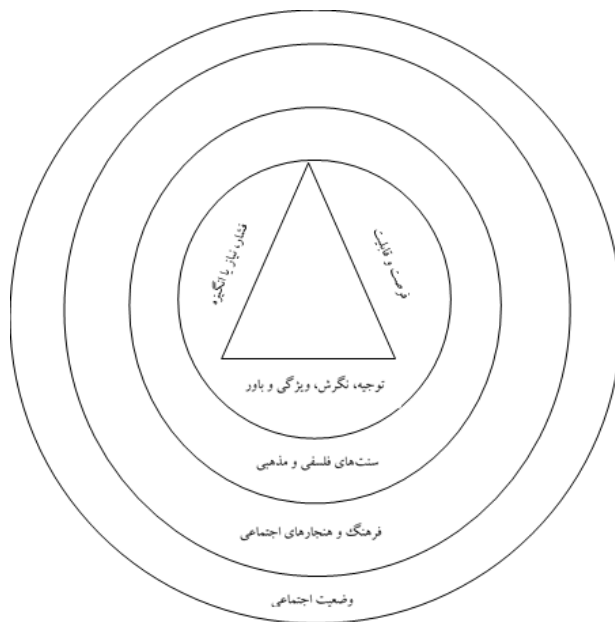
منبع: دورمینی و همکاران، ۲۰۱۲: ۵۷۰.

۲-۵- نظریه‌های غالب در دهه ۲۰۱۰

۲-۵-۱- مربع تقلب (۲)

مربع تقلب دوم به وسیله سایزلویز در سال ۲۰۱۰ معرفی شد. وی اعتقاد ندارد که مثلث تقلب باید جایگزین شود اما، بیان می‌کند که مثلث تقلب باید گسترش یابد تا تأثیرات سطح اجتماعی را دربر گیرد و زمینه‌های بین‌المللی نیز شامل شود (سایزلویز، ۲۰۱۲: ۲۱۵). هم‌چنین، وی اظهار می‌کند که قابلیت موجود در لوزی تقلب یک عامل در سطح فرد و عوامل در سطح اجتماع خارج از مدل واقعی قرار گرفته‌اند.

سایزلویز (۲۰۱۲: ۲۴۵ و ۲۱۶) اعتقاد دارد برای اینکه الگوی تقلبی در سطح بین‌المللی مفید باشد، لازم است تفاوت‌های اجتماعی و اثر آن‌ها بر عوامل الگوی مثلث تقلب فعلی درک شود. نگاره ۷ الگوی تقلب سنتی، که تأثیرات در سطح فردی و سازمانی بر تقلب را با هم ترکیب می‌کند، بسط داده و تأثیرات در سطح اجتماعی بر تقلب را شامل شده است. این تأثیرات شامل سنت‌های فلسفی و مذهبی، فرهنگ و هنجارهای اجتماعی و وضعیت‌های اجتماعی همانند جو سیاسی عوامل اقتصادی اجتماعی و حاکمیت قانون است. تأثیرات در سطح اجتماعی بر اجزاء سنتی مثلث تقلب اثر می‌گذارند. اگرچه این الگو به موارد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در سطح بین‌المللی توجه می‌کند، اما دارای محدودیت‌هایی است. به عنوان نمونه، در برخی شرایط برچسب تقلب بر تصمیم عمده فریب دیگران نامناسب است (برای مثال مراقبت‌های پزشکی برای رفع نیاز) (رست^{۴۵} و همکاران، ۱۹۹۹: ۵۷۰).



نگاره ۷: مثلث تقلب در زمینه بین‌المللی، منبع: سایز لویز، ۲۰۱۲: ۲۴۵

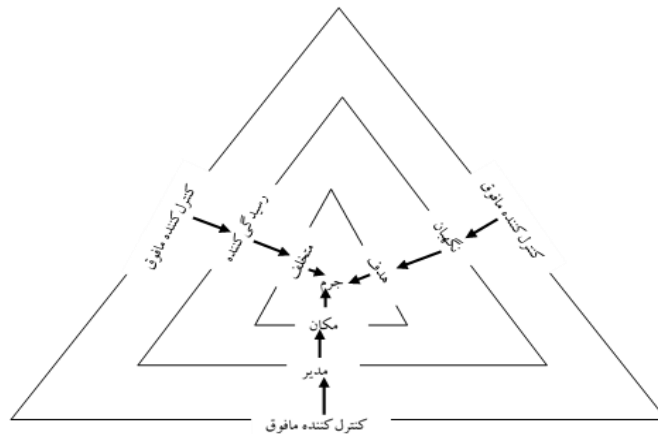
۲-۵-۲- پنج ضلعی تقلب (۲)

پنج ضلعی تقلب دوم به وسیله گلدمن^{۴۶} در سال ۲۰۱۰ معرفی شد. در اواسط دهه ۲۰۰۰، لوزی تقلب که در صنایع خدمات مالی به کار می‌رفت، با اضافه شدن بعد سلب آزادی کارکنان و حرص شخصی به عنوان چهارمین و پنجمین جزء پنج ضلعی تقلب به وجود آمد. در سال‌های اخیر چندین تغییر در نظریه مثلث تقلب در بین حرفه‌های ضد تقلب ظهور کرده است. به دلیل افزودن انگیزه‌های روانشناختی بیشتر برای ارتکاب تقلب کارکنان، لوزی تقلب و پنج ضلعی تقلب به وجود آمد (گلدمن، ۲۰۱۰: ۲۴).

۲-۵-۳- مثلث جرم نظریه فعالیت روزمره

مثلث جرم نظریه فعالیت روزمره^{۴۷}، که در نگاره ۸ نمایش یافته است، شامل سه مثلث است که هر یک به دیگری متصل می‌شوند. عناصر مثلث داخلی متجاوزان بالقوه، هدف جرم و مکان برای جرم هستند. مثلث داخلی نشان‌دهنده سه عنصر لازم برای متخلف جهت ارتکاب تقلب است. مثلث میانی نشان‌دهنده نظارت بر هر جزء مثلث داخلی که می‌تواند از وقوع جرم جلوگیری کند به این شرح است: رسیدگی‌کننده، نگهبان و مدیر. مثلث میانی نشان‌دهنده نظارت بر متخلف، مکان و هدف است. رسیدگی‌کننده شخصی است که می‌تواند با ارتباط اجتماعی خود بر رفتار متخلف

(احتمالی) اثر بگذارند (فلسون^{۴۸}: ۱۹۸۶: ۱۲۲). مثلث بیرونی نشان دهنده کنترل کننده مافوق است که رفتار ناظر در مثلث میانی را تنظیم می کند.



نگاره ۸: کنترل کننده مافوق و جرم، منبع: سمپسون و همکاران، ۲۰۱۰: ۴۰

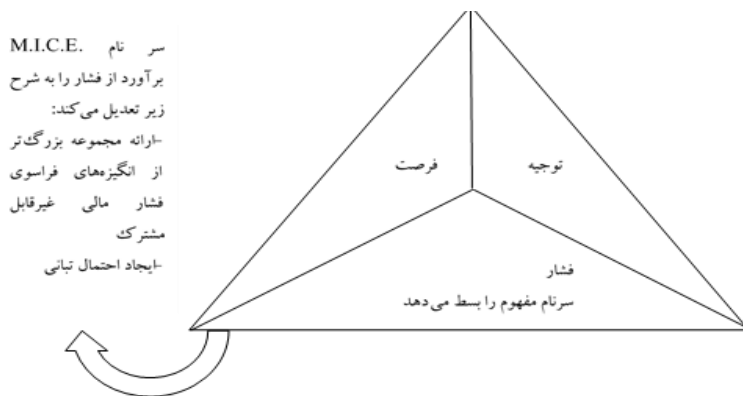
زمانی که متخلف از رسیدگی کننده فرار می کند، اهدافی را در محیطی بدون نظارت نگهبان شناسایی می کند که به وسیله مدیران هم نظارت نشده اند، سپس جرم روی می دهد. مکان، سازمان است، جایی که به طور معمول دارایی ها در آن واقع شدند (سمپسون^{۴۹} و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۹).

۲-۵-۴- الگوی ام آی سی ایی (M.I.C.E.)

الگوی ام آی سی ایی به وسیله کرانچار و همکاران (۲۰۱۱) بسط یافت و در آن جزء فشار از مثلث تقلب تعدیل می شود. طبق این نظریه، هر تقلبی شامل یک نیاز مالی غیرمستترک نیست. کولمن^{۵۰} (۱۹۸۷: ۴۱۴) بیان می کند که فرهنگ رقابتی ممکن است عاملی انگیزشی برای بسیاری از جرم های یقه سفید باشد. این مباحث پیشنهاد می کنند که انگیزه های مرتکب شوندگان تقلب ممکن است گسترش یابد و با M.I.C.E. شناخته شود: M: پول؛ I: ایدئولوژی^{۵۱}؛ C: اضطراب^{۵۲}؛ و E: نفس^{۵۳} (ادعا).

ام آی سی ایی، قسمت فشار در مثلث تقلب را تعدیل می کند، به این علت که آن مجموعه ایی از انگیزه هایی فراتر از فشار مالی غیرمستترک را شرح می دهد. به نظر می آید پول و نفس انگیزه های معمولی برای تقلب هستند. مواردی همچون انرون، وردکام، آدلفیا و غیره بهترین مثال هایی هستند که بیانگر این است که به نظر می رسد محکومیت مرتکبان به علت انگیزه های پولی، ادعا و نفس بوده است (دورمینی و همکاران، ۲۰۱۲: ۵۶۳).

تحلیل محتوای نظریه‌های تقلب مالی و ارائه فرالگوی چندبعدی تقلب/۱۵



نگاره ۹: تأثیر سرنام M.I.C.E. بر مثلث تقلب، منبع: دورمنی، فلمینگ، کرانچر و ریلی، ۲۰۱۲: ۵۶۴

ایدئولوژی شاید انگیزه کم‌رنگ‌تری برای جرم یقه سفید باشد. برای مثال، در بحث اجتناب مالیاتی، مرتکب‌شونده بیان می‌کند که «مالیات‌ها غیرقانونی^{۵۴} هستند» یا «من به اندازه کافی مالیات پرداخت کرده‌ام». اضطراب شرایطی را توصیف می‌کند که فرد تمایل به مشارکت در طرح‌های تقلب ندارد اما وی مجبور است.

همانند مثلث تقلب، ام‌آی‌سی‌ای، سازه‌های انگیزه را بسیار ساده می‌کند. هم‌چنین، M.I.C.E. تبانی احتمالی را در نظر می‌گیرد. تأثیر الگوی M.I.C.E. بر مثلث تقلب در نگاره ۹ نشان داده شده است. دورمینی و همکاران (۲۰۱۲) به این دلیل که مثلث تقلب نمی‌تواند راهی برای ارزیابی انگیزه‌های مرتکبان تقلب پیشنهاد دهد، الگوی خود را پیشنهاد دادند.

۲-۵-۵- مثلث عمل تقلب

مثلث تقلب شرایطی که ممکن است تقلب روی دهد را شناسایی می‌کند اما، مثلث عمل تقلب^{۵۵} به اعمالی که فرد باید انجام دهد تا مرتکب تقلب شود، می‌پردازد.

مطابق نگاره ۱۰ سه جزء مثلث عمل تقلب عبارتند از: عمل، پنهان‌کاری^{۵۶}، و تغییر^{۵۷}. عمل نشان‌دهنده اجراء و روش تقلب، از جمله اختلاس، چک جعلی و یا موارد مربوط به گزارشگری مالی متقلبانه است. پنهان‌کاری نشان‌دهنده پنهان‌کردن عمل تقلب است. از جمله موارد پنهان‌کاری عبارتند از: ایجاد ثبت‌های روزنامه ساختگی، نمایش نادرست صورت مغایرت بانکی و یا از بین بردن پرونده‌ها. تغییر، فرآیند تبدیل سودهای کثیف^{۵۸} به موارد قابل استفاده از راه‌هایی که به نظر قانونی باشند، به وسیله مرتکب‌شونده است. همانند پولشویی، خرید اتومبیل و خانه. ارزش نهایی مثلث عمل تقلب در این است که نشان‌دهنده اعمال خاصی است که می‌تواند در جاهایی که تقلب یا تقلب احتمالی ممکن است جلوگیری، کشف و یا واقع شود، با مدرک مستند شوند. به این معنی که، حرفه‌های ضدتقلب ممکن است معیارها، کنترل‌ها و ساختارهای خاصی را در حسابرسی خود بسط دهند تا عمل، پنهان‌کاری و یا تغییر را شناسایی کنند.



نگاره ۱۰: مثلث عمل تقلب: جرم، منبع: دورمنی، فلمینگ، کرانچر و ریلی، ۲۰۱۲: ۵۵۹

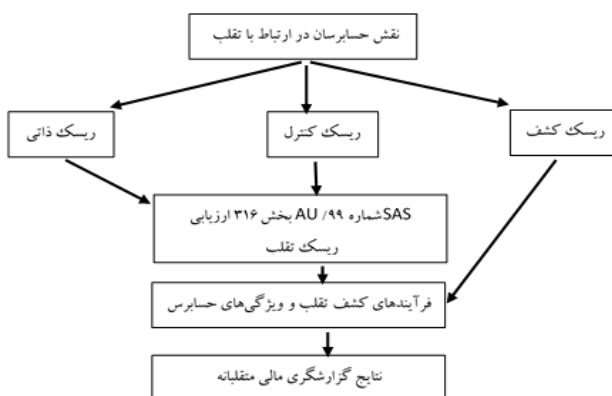
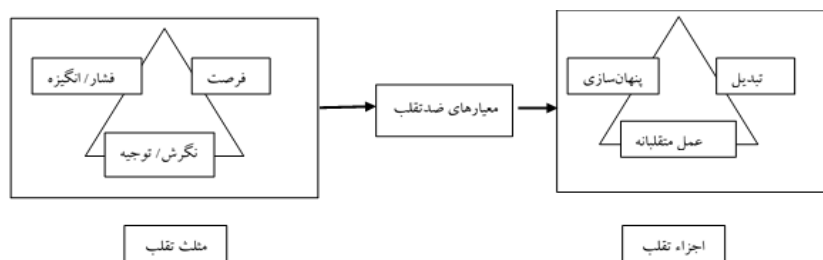
مثلث عمل تقلب به این دلیل که عوامل آن می‌توانند به طور مستقیم مشاهده و مستند شوند، مفید است. مدارک مربوط به عمل، پنهان‌کاری و تغییر می‌توانند جمع‌آوری شوند و در داوری ارائه شوند. افزون بر این، مثلث عمل تقلب این ادعا برای مرتکب‌شونده را که بیان کند عمل وی تصادفی بوده است و یا عمل خود را انکار کند، باطل می‌کند. به‌ویژه، مدارک مربوط به پنهان‌کاری، استدلالی را به وجود می‌آورد که عمل عمدی بوده است.

۲-۵-۶- الگوی حسابرسی تقلب

الگوی ارائه شده به‌وسیله ترامپتر^{۵۹} و همکاران (۲۰۱۳: ۲۹۳) در نگاره ۱۱، متمرکز بر تفکر نقش حسابرسان در ارتباط با ارزیابی ریسک تعویق^{۶۰} و کشف گزارشگری مالی متقلبانه است. در این الگو از مثلث تقلب که به‌وسیله کریسی (۱۹۵۰) معرفی شد، استفاده می‌شود. پیرو ویژگی‌های اولیه کریسی (۱۹۵۰)، (بخش سمت چپ بالا)، در اینجا، متقلب تصمیم‌گیرنده است، کسی که باید وضعیت شخصی و حرفه‌ای خود را بررسی کند و معیارهای ضدتقلب (فرآیندهای تعویق، جلوگیری و کشف) را ارزیابی کند و تعیین کند آیا عمل متقلبانه می‌تواند به طور موفقیت‌آمیزی هم اجرا شود و هم پنهان بماند.

تحلیل محتوای نظریه‌های تقلب مالی و ارائه فرالگویی چندبعدی تقلب/۱۷

با حرکت به سمت راست بالا، الگو به بررسی شرایط بعد از تقلب و تمرکز بر اجزاء خاص تقلب می‌پردازد: عمل (طرح)، تلاش برای پنهان‌سازی عمل و شناسایی منافی که متعلق به متقلب هستند (یعنی تبدیل، همانند افزایش طرح‌های اختیار سهام پاداشی در تقلب مالی). در حالی که به گونه صریح در مثلث تقلب بیان نشده است، دانش و ملاحظه طرح‌های رایج تقلب، تکنیک‌های پنهان‌سازی و فرآیند تبدیل می‌تواند به حساب‌برسان در طرح‌های آزمون خود برای کشف تقلب کمک کند.



نگاره ۱۱: الگوی حسابرسی با توجه به تقلب، منبع: ترامیتر و همکاران، ۲۰۱۳: ۵۳

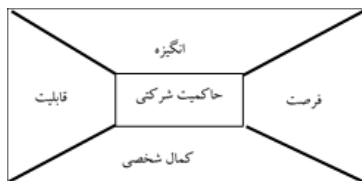
بین متقلبان و اجزاء تقلب، معیارهای ضد تقلب وجود دارند (مداخلات سازمانی و اجتماعی، همانند کنترل‌های داخلی، اجزاء حاکمیت شرکتی و محیط قانونی) تا به کاهش احتمال و اثرات اعمال متقلبانه بپردازند. هر یک از معیارهای تقلب خارج از کنترل متقلبان هستند و ارزیابی متقلبان را از احتمال موفقیت در انجام و پنهان‌سازی عمل مجرمانه تحت تأثیر قرار می‌دهند. ملاحظه محیط کنترلی می‌تواند حساب‌برسان را در ارزیابی ریسک تقلب و مشخص کردن نواحی خاص برای آزمون‌های اضافی کمک کند.

در قسمت پایین نگاره ۱۱ الگوی دورمینی و همکاران (۲۰۱۲) به ارزیابی ریسک حسابرسان، ارزیابی کنترل و تلاش‌های کشف تقلب ترسیم شده است. مدل ارائه شده به وسیله ترامپتر و همکاران (۲۰۱۳: ۲۹۳-۲۹۰) مثلث تقلب را به ریسک ذاتی و ریسک کنترل مرتبط می‌کند. عوامل فشار/ انگیزه و نگرش/ توجیه در ارزیابی ریسک ذاتی و از نظر حسابرسان عوامل فرصت در ارزیابی ریسک کنترل قرار دارند. هم‌چنین، حسابرسان دیگر معیارهای ضد تقلبی (اطلاع‌رسانی از طریق کارکنان و معیارهای حاکمیتی) در زمان ارزیابی ریسک کنترل در نظر می‌گیرند. این ارزیابی ریسک کنترل و ذاتی سپس به طور مستقیم از ارزیابی ریسک تقلب حسابرسان و فرآیندهای طراحی یا اصلاحی حسابرسی تغذیه می‌شود. مدل پیشنهاد می‌دهد که فرآیند کشف تقلب باید بر اساس برنامه‌های حسابرسی حول محور مثلث تقلب و اجزاء تقلب طراحی شود.

۲-۵-۷- الگوی لوزی تقلب جدید

گبگی و آدبیزی^{۶۱} (۲۰۱۳: ۱۳۴) اعتقاد دارند که برای حسابداران، به‌ویژه حسابداران دادگاهی، مهم است که همه الگوهای تقلب را در نظر بگیرند تا علت ارتکاب تقلب را درک کنند. بنابراین، تمام الگوهای تقلب باید به عنوان بسط لوزی تقلب ولف و هرمانسون (۲۰۰۴) در نظر گرفته شوند و باید در یک الگو که شامل انگیزه، فرصت، کمال شخصی، قابلیت و حاکمیت شرکتی است، یکپارچه شوند.

این الگو، «الگوی لوزی تقلب جدید» نامیده می‌شود و در نگاره ۱۲ نشان داده شده است. اگر چه لوزی تقلب بعد چهارمی تحت عنوان «قابلیت» را معرفی و خلا موجود در نظریه‌های تقلب را پر می‌کند، این انتقاد بر این الگو وارد است که این الگو به تنهایی نمی‌تواند به بررسی، تعویق، جلوگیری و کشف تقلب بپردازد. به این علت که ابعاد آن غیرقابل مشاهده هستند و دو عامل اصلی سیستم ارزش ملی (انگیزه) و حاکمیت شرکتی نادیده گرفته شده است.

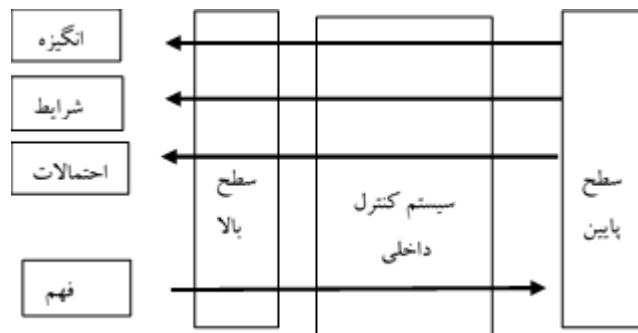


نگاره ۱۲: الگوی جدید لوزی تقلب، منبع: گبگی و آدبیزی، ۲۰۱۳: ۱۳۶

۲-۵-۸- مقیاس تقلب (۲)

مقیاس تقلب دوم به وسیله مککویبوس و گریناس^{۶۲} در سال ۲۰۱۳ معرفی شد. اجزاء مقیاس تقلب مطابق نگاره ۱۳ عبارتند از انگیزه، شرایط، احتمالات و فهم. تمامی این اجزاء ارتباط نزدیکی با سیستم کنترل داخلی دارند.

اولین جزء مثلث تقلب انگیزه است که بیان‌کننده تمایل کارمند برای رفتار غیرمنصفانه و چرایی آن است. اغلب انگیزه با طمع و برخی شرایط زندگی همانند نیاز ناگهانی مالی که تحت تأثیر بدهی، اعتیاد، الکل یا قمار است، مسائل شخصی در زندگی و این گونه موارد است. در بیشتر موارد، انگیزه به عنوان دلیلی تحریکی است. انگیزه‌های تقلب گوناگون و متنوع هستند از جمله منفعت، انواع اعتیاد، نارضایتی از کار، نارضایتی از رهبران و مشکلات سلامتی (مککویبوس و گریناس، ۲۰۱۳: ۱۵۴).



نگاره ۱۳: مقیاس تقلب، منبع: مککویبوس و گریناس، ۲۰۱۳: ۱۵۴

جزء دوم مقیاس تقلب شرایط است. شرایط ارتکاب تقلب در فرآیند جهانی سازی اقتصادی مطلوب تر است. بعد از بررسی پژوهش‌های مربوط به شرایط ارتکاب تقلب هفت دسته‌بندی در ارتباط با مهم‌ترین شرایطی که ریسک تقلب را افزایش می‌دهند به شرح زیر ارائه شد. ۱. صداقت، شایستگی و سبک عمل مدیران شرکت؛ ۲. کارکنان شرکت؛ ۳. ساختار سازمانی شرکت؛ ۴. وضعیت مالی و نتایج عملکرد شرکت؛ ۵. فعالیت‌های سازمانی و صنعتی شرکت؛ ۶. سیستم‌های حسابداری، حساسی و کنترل داخلی و ۷. شرایط خارجی (مککویبوس و گریناس، ۲۰۱۳: ۱۵۶)

جزء سوم مقیاس تقلب احتمالات است که همانند طرح‌های اعطایی به کارمندی است که در آرزوی ارتکاب تقلب است. این مورد با توجه به موقعیت و قدرت شخص در شرکت و دسترسی وی به دارایی‌ها و ثبت‌های حسابداری تعیین می‌شود. این جزء با وجود سیستم کنترل داخلی شرکت نیز در ارتباط است؛ هر چه کنترل داخلی مؤثرتر باشد، احتمال خطا یا ارتکاب تقلب کم‌تر می‌شود. بر خلاف گذشته که اغلب متقلبان کارکنان با مهارت پایین و شایستگی کم بودند، امروزه

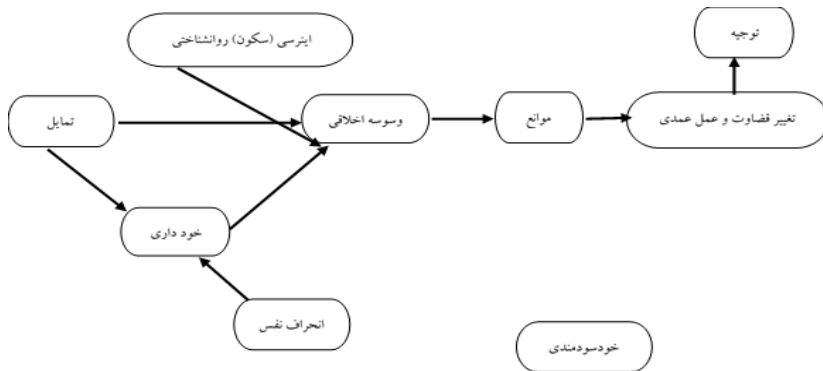
متقلبان افرادی باهوش، خلاق با تجربه بالا هستند. ۵۱ درصد از متقلبان دارای مدرک دانشگاهی هستند. ۴۶ درصد آن‌ها به عنوان مدیر ارشد خدمت می‌کنند (انجمن خبره آزمونگران تقلب^{۶۳}، ۲۰۱۲). این آمار نشان می‌دهد که مثلث تقلب بهبود یافته و وجود این جزء آن را به مربع تقلب تبدیل کرده است. جزء چهارم مقیاس تقلب فهم است، این جزء در مثلث تقلب توجیه است که کارکنان به وسیله آن رفتار غیرمنصفانه خود را توجیه می‌کنند (مککویوس و گریناس، ۲۰۱۳: ۱۶۰-۱۵۹).

با توجه به اینکه مقیاس تقلب نشان‌دهنده تمام اجزاء مربع تقلب است، مقیاس تقلب در مشخص کردن مکان‌های اجرای تقلب توانمندتر است. لازم به ذکر است که جزء «فهم» دارای اثر معکوس است به این دلیل که کارکنان با درجه کمال و صداقت پایین‌تر دارای ریسک ارتکاب تقلب بالاتر هستند. هم‌چنین، اجزاء موجود در مقیاس تقلب نسبت به مربع تقلب مقیاس‌پذیرتر هستند (مربوط به کنترل داخلی هستند). در نهایت، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این کنترل داخلی است که مهم‌ترین جزء در به تعویق‌اندازی تقلب است که نه در مثلث تقلب و نه در مربع تقلب به آن اشاره‌ای نشده است (مککویوس و گریناس، ۲۰۱۳: ۱۶۰).

۲-۵-۹- الگوی تقلب تمایل محور

نگاره شماره ۱۴ اجزاء الگوی تقلب تمایل محور^{۶۴} را نشان می‌دهد. توجیه‌ها به عنوان نتیجه شکست در سطح حل و فصل، در زمان وسوسه فرد هستند. تمایل به سرگرمی با وسوسه‌ها با تمایل عاملان تعدیل می‌شود؛ عاملان خودپسند احتمالاً نسبت به تحریکات وسوسه‌ای آسیب‌پذیرترند. حتی برای عاملان با قدرت خودداری بالاتر، با وجود انحراف نفس ممکن است خطایی در قضاوت روی دهد. در نهایت، وسوسه عاملان را در این چنین تجربیات سختی که در طول زمان افزایش می‌یابند، قرار می‌دهد و منجر به ایجاد شانس بیشتر برای قبول کردن عامل می‌شود. شخص افراطی برای از بین بردن آثار وسوسه دارای مشکل است (آنچه در حال حرکت است را نمی‌توان به راحتی متوقف کرد). بیومیستر^{۶۵} و همکاران (۱۹۹۴) به این پدیده اینرسی روانشناختی می‌نامند (نقل از راوال، ۲۰۱۶: ۱۱). با توجه به اینکه تلاش یا خودداری خسته‌کننده بیومیستر و همکاران (۱۹۹۸) نشان دادند که تلاش داوطلبانه در هر نوع خود (ذهنی، عاطفی یا جسمی) از انرژی مغزی استفاده می‌کند. آن‌ها این پدیده را «انحراف نفس» نامیدند (بیومیستر و همکاران، ۱۹۹۸: ۱۲۵۳). لازم به ذکر است که در این الگو موانع با کنترل داخلی همانند پادزهری برای فرصت‌ها همپوشانی دارد.

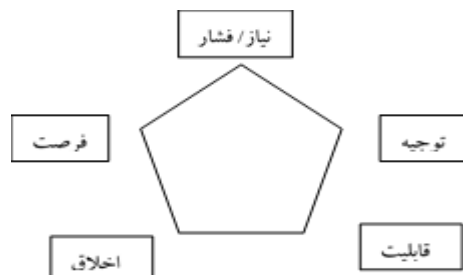
تحلیل محتوای نظریه‌های تقلب مالی و ارائه فرالگوی چندبعدی تقلب/۲۱



نگاره ۱۴: الگوی تقلب تمایل محور، منبع: راوال، ۲۰۱۶: ۳۴

۲-۵-۱۰- پنج ضلعی تقلب (۳)

نظریه لوزی تقلب به تنهایی ابزاری ناکافی برای بررسی، تعویق، جلوگیری و کشف تقلب است (گبگی و آدیبیزی، ۲۰۱۳: ۱۲۹) زیرا عامل مهمی همانند اخلاق شخصی متقلبان به طور کلی در نظریه‌هایی همانند مثلث و لوزی تقلب نادیده گرفته شده است.



نگاره ۱۵: پنج ضلعی جدید تقلب، منبع: سرانک، ۲۰۱۶: ۱۶۴

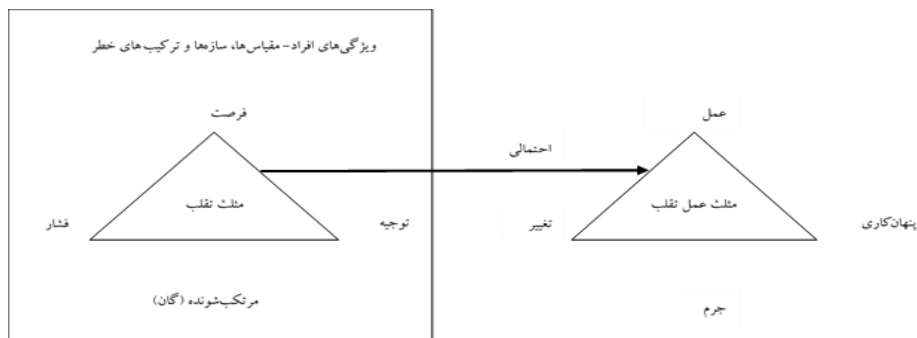
در جامعه، آگاهی از اخلاق شخصی، به تعریف تفکر اصلی افراد که آن‌ها چه چیزی را دوست دارند، از چه چیز متنفر هستند و نسبت به چه چیز بی تفاوت هستند، کمک می‌کند (سرانک ۶۶، ۲۰۱۶: ۱۶۰). سرانک (۲۰۱۶: ۱۶۴) بیان کرد برای درک بهتر چرایی ارتکاب تقلب به وسیله افراد، اخلاق شخصی ویژگی مهمی است و الگوی پنج ضلعی را معرفی کرد. این الگو در نگاره ۱۵ نشان داده شده است.

۲-۵-۱۱- فرالگوی جرم یقه سفید

دورمینی و همکاران (۲۰۱۲: ۵۶۰) الگویی تحت عنوان «فرالگو» ارائه کردند که سعی دارد احتمال ارتکاب تقلب (عمل، پنهان‌سازی و تبدیل آن) را به اجزاء شخصی مثلث تقلب اضافه کند. برخی از الگوها و نظریه‌های گسترش یافته تقلب تلاش کردند تا فراتر از منطق ارائه شده به وسیله

مثلث تقلب توضیح دهند که چرا افراد مرتکب تقلب و جرم‌های مالی می‌شوند. این الگوها به دنبال شناسایی مکمل‌های روانی یا سوابق جامعه‌شناختی (شخصیت و ویژگی‌های رفتاری) برای توضیح آن تمایلات در برخورد با تقلب هستند. نگاره شماره ۱۶ فراالگویی از جرم یقه سفید را نشان می‌دهد.

در این الگو، مثلث تقلب با مثلث عمل تقلب پیوند داده شده است و محدوده‌ای اطراف مثلث تقلب، که بر اساس سایر نظریه‌ها و الگوها مفید است، شناسایی می‌شود. محدوده اطراف مثلث تقلب، ویژگی‌های افراد-مقیاس‌ها، سازه‌ها و ترکیب‌های خطر، جایی است که رفتارهای اضافی و الگوهای تصمیم‌گیری که توجیه، فرصت درک‌شده و فشار مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، معرفی می‌کند. الگوهای موجود در این محدوده شامل مقیاس تقلب، ام آی سی ای، یغماگر^{۶۷} در برابر تقلب تصادفی، لوزی تقلب و تحلیل ای بی سی جرم یقه سفید هستند. منطقه محاط‌شده درون جعبه الگو، نشان‌دهنده نقطه ورودی برای سازه‌های اضافی حاصل‌شده به‌وسیله این الگوها است. فراالگویی ارائه شده، چارچوبی برای بحث و بررسی و نیز تأثیرگذاری در نظر گرفته شده از تلاش‌های فردی جامعه ضدتقلب، را نشان می‌دهد.



نگاره ۱۶: فراالگویی جرم یقه سفید، منبع: دورمنی، فلمینگ، کرانچر و ریلی، ۲۰۱۲: ۵۶۱

۲-۵-۱۲- فراالگویی چندبعدی

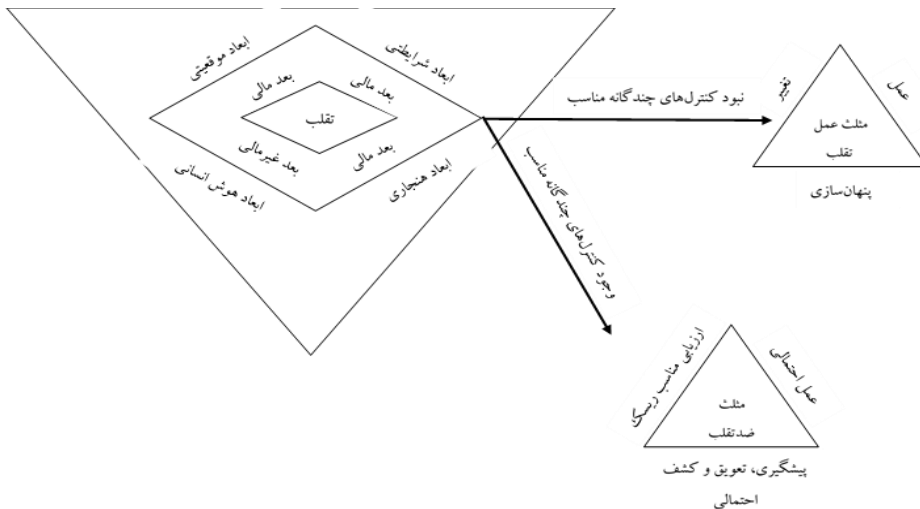
در بخش‌های بالا، نظریه‌ها و سبب تکاملی موارد مربوط به تقلب مالی ارایه شد. در این بخش به منظور دسترسی به هدف دوم این تحقیق یک الگوی تقلب تحت عنوان «فراالگویی چند بعدی» توسط پژوهشگران ارایه می‌شود. بویل^{۶۸} و همکاران (۲۰۱۵: ۶) بیان کردند که اضافه کردن عوامل بیشتر به مثلث تقلب به نظر کمک‌کننده نیست. اما منصرف شدن برای ایجاد افکار جدید سخت است (کوه^{۶۹}، ۱۹۶۳: ۱۹). برای مقابله با این سکون، همانطور که جکسون^{۷۰} و همکاران (۲۰۱۳: ۲۳۴) بیان کردند، گاهی اوقات لازم است به عقب برگشت و پژوهش‌ها را برای ایجاد

ارتباطات منطقی با هم ترکیب کرد. بنابراین، در این پژوهش برای یافتن الگویی کاراتر به تلفیق الگوهای قبلی پرداخته می‌شود.

در فرالگویی چند بعدی ارائه شده حاصل از تحلیل محتوا، همانطور که در نگاره ۱۷ سمت چپ، لوزی داخلی نشان داده شده است، تقلب دارای چهار بعد است که سه بعد آن مالی و بعد دیگر آن غیرمالی است. این ابعاد مالی عبارتند از ابعاد شریطی، موقعیتی، هنجاری و بعد غیرمالی عبارت است از ابعاد هوش انسانی که هر یک از این چهار بعد را می‌توان در سه سطح کلی فردی، سازمانی و جامعه و بین‌المللی مورد تحلیل قرار داد. نظریه خودکنترلی^{۷۱} که در سطح فردی کاربرد دارد می‌تواند در تحلیل این فرالگو مفید باشد. این نظریه بیان می‌کند که افراد به دلیل سطح خودکنترلی پایین مرتکب جرم می‌شوند. به استثناء موارد تقلبی همانند رسوایی‌های اترون، تمام نخبگان درون سازمان یا صنعت مرتکب جرم نمی‌شوند. دیگر نظریه‌ای که می‌تواند در این سطح الگو کمک‌کننده باشد نظریه تعادل کنترلی^{۷۲} است. این نظریه به سنجش توانایی افراد در ارتکاب جرم شرکتی می‌پردازد. این نظریه نسبت کنترل نسبی به کار رفته به درجه کنترل تجربه-شده را مورد استفاده قرار می‌دهد. مازاد کنترل تعادلی منجر به جرم‌های یقه سفید و انحرافات شرکتی می‌شود. یکی از نظریه‌هایی که در سطح جرم‌های سازمانی به کار می‌رود، نظریه توطئه خارجی^{۷۳} است. این نظریه افراد خارجی و اثرات خارجی (از سازمان) برای ترویج جرم سازمانی در جامعه را مورد انتقاد قرار می‌دهد. دیگر نظریه‌ای که در این سطح می‌تواند کمک‌کننده باشد، نظریه کنترل اجتماعی^{۷۴} است که اشاره به فرآیندهایی دارد که از طریق جامعه بر اعضای آن تأثیر می‌گذارد تا با هنجارهای رفتاری منطبق شوند. از جمله نظریه‌هایی که در سطح بین‌المللی وجود دارند، نظریه قرارداد^{۷۵} است که مرتبط با نقش قراردادها در سیستم اجتماعی است. ون لامپ^{۷۶} (۲۰۰۵: ۶) بیان کرد که همکاری در گروه‌های مجرمانه به طور معمول بر مبنای نوعی قرارداد است. قرارداد مجرمانه بین مجرمان به فعالیت‌های مجرمانه مرتبط است و ممکن است شامل مواردی از جمله مشارکت، وظایف، مسئولیت، تجهیزات، برنامه، اشتراک سود، مسیرهای فرار، کدهای اخلاقی و هنجار باشد. نظریه بعدی که در این سطح کاربرد دارد، نظریه مبادله‌ای^{۷۷} رابطه‌ای است. این نظریه بر مبنای هنجارهای ارتباطی است. اغلب قراردادها ابزارهای ناقصی برای کنترل فرصت‌طلبی هستند. در حالی که ممکن است قراردادهای ارتباطی برخی رفتارهای فرصت‌طلبانه را کاهش دهد. ممکن است قراردادهای ارتباطی مبادله‌کنندگان منجر به هزینه‌های چانه‌زنی شود که منجر به تعدیل قرارداد شود (آرتز و براش^{۷۸}، ۲۰۰۰: ۳۴۵). افزون بر این، در این نظریه، هنجارهای ارتباطی مربوط به رفتار در شرایط بحرانی برای سازمان‌های مجرمانه ضروری هستند. این فرالگو تلفیقی از الگوهای ارائه‌شده در دهه‌های ۱۹۵۰ الی ۲۰۱۶ است. هر یک از ابعاد مالی و غیرمالی این فرالگو خود دارای زیر ابعادی است. این ابعاد مربوط به ویژگی‌های

شخصیتی، وضعیت مالی، وضعیت تخصصی فرد، ویژگی‌های سازمانی، محیط‌های قانونی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی است.

در این فراالگوی چندبعدی، محور احتمالی فراالگوی دورمینی و همکاران (۲۰۱۲)، با محور «کنترل‌های چندگانه مناسب» جایگزین شده است. این کنترل‌ها نیز می‌توانند مالی یا غیرمالی (به صورت چندگانه) باشند از جمله کنترل‌های داخلی، کنترل‌های محیطی، کنترل‌های سیستمی و غیره. در این قسمت فراالگوی چندبعدی دو حالت وجود دارد: ۱. نبود کنترل‌های چندگانه مناسب که در این صورت مثلث عمل تقلب مشاهده می‌شود به وسیله دورمینی و همکاران (۲۰۱۲) پابرجاست که عمل متقلبانه، تغییر یا پنهان‌سازی تقلب وجود دارد. ۲. وجود کنترل‌های چندگانه مناسب که در این صورت وجود حداقل یک کنترل مناسب منجر به ایجاد مثلث ضد تقلب می‌شود. همانطور که در نگاره ۱۷ سمت راست، قسمت پایین، مشاهده می‌شود با وجود کنترل‌های چندگانه مناسب، عمل متقلبانه صفر نمی‌شود اما، به صورت احتمالی وجود دارد و به حداقل می‌رسد. هم‌چنین، با وجود این کنترل‌های چندگانه مناسب به احتمال زیاد می‌توان از وقوع اعمال مجرمانه و متقلبانه جلوگیری کرد یا آن‌ها را به تعویق انداخت و حتی آن‌ها را کشف کرد. همانطور که دورمینی و همکاران (۲۰۱۲) بیان می‌کنند، پیشگیری، احتمال تقلب را عمدتاً از طریق کاهش فرصت، کم می‌کند. در مقابل، تعویق اشاره به ایجاد محیط‌هایی که تقلب کم‌تر روی می‌دهد، دارد و رویه‌های تشخیص اغلب برای کشف جرم استفاده می‌شود.



نگاره ۱۷: فراالگوی چندبعدی، منبع: یزوهشگران

با توجه به این که، استفاده مناسب از محیط کنترلی می‌تواند بر ارزیابی متقلبان از احتمال ارتکاب موفقیت‌آمیز تقلب و پنهان‌سازی آن اثر بگذارد، وجود کنترل‌های چندگانه مناسب می‌تواند به افراد در ارزیابی مناسب ریسک تقلب و شناسایی آن حوزه‌ها و رفع مناطق احتمالی تقلب کمک کند. همانند فرالگویی دورمینی و همکاران (۲۰۱۲)، این فرالگویی چندبعدی در بسط رویکرد ارزیابی ریسک بر مبنای درک فعلی از تاریخچه تقلب نیز مفید است. همچنین، این فرالگویی چند بعدی دارای ابعادی است که مربوط به رشته‌های مختلف (از جمله روانشناسی و جرم‌شناسی) علمی هستند و انحصاری نیستند. افزون بر این، این فرالگویی چندبعدی ویژگی‌های مرتکب-شوندگان را توصیف می‌کند.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی است و از روش کتابخانه‌ای و فن تحلیل محتوا استفاده می‌کند. در این نوع پژوهش‌ها محقق با استفاده از مجموعه‌ای از رویه‌ها در صدد برمی‌آید از متون موجود برداشت‌های معتبر نموده و دیدگاه‌های معتبر را استخراج نماید (اسمیت^{۷۹}، ۲۰۱۷: ۱۸). در مرحله اول تحلیل محتوا با توجه به اهمیت تقلب، هدف طبقه‌بندی و تحلیل محتوای پژوهش‌های مربوط به نظریه‌های تقلب در نظر گرفته شد. در مرحله دوم طبقه‌بندی و تحلیل محتوای مقالات انتشار یافته مرتبط با نظریه‌های تقلب صورت پذیرفت (نمازی و رجب‌دری، ۱۳۹۶: ۲۰۱). گام بعدی تحلیل محتوا شامل گردآوری اطلاعات از جامعه آماری مقاله‌های منتشر شده مرتبط با نظریه‌های تقلب در مجلات خارجی تا پایان سال ۲۰۱۷، بود. بنابراین، در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر خارجی در دسترس شامل^{۸۰} مطالعات مربوط به نظریه‌های تقلب مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت. دوره زمانی پژوهش مقالات چاپ‌شده بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۷ است.

۴- یافته‌ها

نظریه مثلث عمل تقلب با ویژگی‌های جرائم یقه سفید در ارتباط است یعنی عمل. مثلث تقلب به شناسایی موقعیت‌هایی می‌پردازد که تحت آن‌ها تقلب ممکن است روی دهد در حالی که؛ نظریه مثلث عمل تقلب به توصیف اعمالی می‌پردازد که افراد باید انجام دهند تا مرتکب تقلب شوند. این یافته‌ها با نتایج مطالعه دورمینی و همکاران (۲۰۱۲) مطابقت دارد. همانطور که از مطالعه سیر تاریخی الگوها استنتاج می‌شود؛ ساختار فرالگو نشان‌دهنده مثلث تقلب، لوزی تقلب و مثلث عمل تقلب به عنوان معیارهایی برای ارزیابی پاسخ حرفه ضد تقلب است. این یافته با نتایج ارائه شده به وسیله دورمینی و همکاران (۲۰۱۲) مطابقت دارد. پژوهش‌های آلبریج و همکاران (۲۰۰۶) و کرانچر و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که نتیجه مثلث تقلب، شناخت کم‌تر مثلث عمل تقلب

است که گاهی اوقات تحت عنوان اجزاء ثقلب مشاهده می‌شود (آلبریچ و همکاران، ۲۰۰۶، کرانچر و همکاران، ۲۰۱۱). ارزش افزایشی نظریه مثلث عمل ثقلب این است که نشان‌دهنده مستندسازی اعمال خاص با شواهد و هم‌چنین، نقاط کنترلی در جایی است که از ثقلب احتمالی جلوگیری، کشف یا اصلاح می‌شود. این عمل نشان می‌دهد که حسابداران می‌توانند رویه‌ها، کنترل‌ها یا ساختارهای خاصی در حسابرسی خود بسط دهند تا علت‌های، پنهان‌سازی یا تبدیل را روشن کند. این یافته هماهنگ با یافته‌های دورمینی و همکاران (۲۰۱۲) است.

نظریه مثلث عمل ثقلب برای متخصصان ثقلب، جایی که مدارک مورد نیاز است، ارزشمند است. در حالی که مثلث ثقلب ذهن را به این سمت هدایت می‌کند که چرا افراد ممکن است مرتکب ثقلب شوند و ممکن است شواهد آن غیرقابل دسترس باشند. برای مثال، فشار و توجیه مالی از مثلث ثقلب به طور مستقیم قابل مشاهده نیستند. این یافته با نتایج مطالعه رامامورتی (۲۰۰۸) همخوانی دارد. بنابراین، برای پیگیری و حسابرسی ثقلب نیازمند رویکردهای شواهدمحور هستند که مثلث عمل ثقلب در این راستا مناسب است. هم‌چنین، با بسط مثلث عمل ثقلب و تکامل آن می‌توان به این نتیجه رسید که فرالگو نشان‌دهنده الگویی نظری برای کشف ثقلب و کسب مدارک هستند است. به این معنی که اثبات یا شواهد عمل، پنهان‌سازی و تبدیل می‌توانند جمع‌آوری شوند و در دادگاه‌ها ارائه شوند. به گونه کلی، می‌توان بیان کرد که فرالگو، حقیقتی غیرقابل انکار برای متقلبان است که استدلال می‌کنند عمل آن‌ها تصادفی بوده یا نقش خود را در عمل (جرم) انکار می‌کنند. این یافته مطابق با نظریه ارائه شده به‌وسیله دورمینی و همکاران (۲۰۱۲) است.

سیر تکاملی الگوهای ثقلب موارد زیر را نشان می‌دهد:

در دهه ۱۹۵۰ نظریه «مثلث ثقلب» ارائه شد که مبتنی بر سه سازه فشار، فرصت و توجیه بود. اما انتقادهای زیادی بر این نظریه وارد شد از جمله مثلث ثقلب نمی‌تواند راهی برای ارزیابی انگیزه‌های مرتکبان ثقلب پیشنهاد دهد که موجب شد نظریه‌های جدیدی بیان شوند. در دهه ۱۹۸۰ نظریه «مقیاس ثقلب (۱)» معرفی شد که ویژگی‌های شخصی و محیط شغلی را ترکیب کرد و شامل سه سازه فشار، فرصت و کمال بود که بعد کمال جایگزین توجیه شد. این نظریه که نسبت به نظریه مثلث ثقلب پیشرفته‌تر است اما، هنوز دارای کاستی‌هایی از جمله محدودبودن سازه‌ها است.

در دهه ۱۹۹۰ نظریه مکعب ثقلب ارائه شد. بحث اصلی آن ایدئولوژی است و سه بعد رابطه، تخصص و انگیزه را در بر می‌گیرد. این نظریه سازه‌ای به نظریه‌های قبل از خود اضافه نکرد و این حقیقت را بیان کرد که در حوزه رایانه‌ای هم ثقلب روی می‌دهد. هم‌چنین، در این دهه نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده بیان شد. این نظریه الگوی ثقلب نیست ولی با این وجود، هدف آن توضیح هر عمل برنامه‌ریزی شده یا عمدی است. در نتیجه، در این دهه پیشرفت چندانی در

الگوهای تقلب مشاهده نمی‌شود و این خود باعث شد که در دهه‌های بعدی نظریه‌های جدید بیان شوند.

در دهه ۲۰۰۰ نظریه «لوزی تقلب» بیان شد که بعد جدیدی به نام «قابلیت» را به مثلث تقلب افزود اما، هابر (۲۰۱۷) لوزی تقلب را مورد نقد قرار می‌دهد، وی می‌گوید هیچ چیز در لوزی تقلب اشاره به قصد و اشتباه عمدی در تهیه صورت‌های مالی و یا صدمه اشخاص به یکدیگر وجود ندارد (هابر، ۲۰۱۷: ۴۳). اما، به تنهایی ابزاری ناکافی برای بررسی، تعویق، جلوگیری و کشف تقلب است. هم‌چنین، در این دهه مربع تقلب (۱) برای تکمیل مثلث تقلب نیز بیان شد که شامل چهار سازه توجیه، انگیزه، فرصت و شایستگی است اما، این الگو همانند الگوهای قبلی به ابعاد اجتماعی و جامعه اشاره‌ای نکرد. افزون بر این، در این دهه پنج ضلعی تقلب (۱) نیز بیان شد که به دو بعد جدید از ویژگی‌های فردی (خودبینی و قابلیت) اشاره کرد اما، همچنان به ابعاد اجتماعی و جامعه توجهی نشد. در ادامه در این دهه نظریه تحلیل ای بی سی ارائه شد. این نظریه اثر متقابل اشخاص، سازش برخی افراد و سازوکارهای فرهنگی و اجتماعی که بر تقلب اثر می‌گذارند را شناسایی کرد و کمبود اخلاق را به عنوان یک عامل موثر بر ارتکاب تقلب ذکر نمود. با وجود پیشرفت این نظریه، در دهه‌های بعد معرفی نظریه‌ها ادامه داشت.

در دهه ۲۰۱۰ نظریه مربع تقلب (۲) بیان شد. این نظریه مثلث تقلب را گسترش می‌دهد تا تأثیرات سطح اجتماعی و زمینه‌های بین‌المللی را شامل شود. هم‌چنین، در این دهه نظریه پنج ضلعی تقلب (۲) با افزودن دو بعد انگیزه‌های روانشناختی شامل سلب آزادی کارکنان و حرص شخصی اضافه شد و مثلث تقلب را تکمیل کرد. افزون بر این، مثلث جرم نظریه فعالیت روزمره به تکمیل مثلث تقلب پرداخت که عناصر لازم برای وقوع تقلب، نظارت بر اجزاء مثلث تقلب، نظارتی که از وقوع جرم جلوگیری می‌کند و نظارت مقام مافوق را معرفی کرد، این نظریه نیز برخی ابعاد شامل ابعاد اقتصادی و اجتماعی را در نظر نگرفت. سپس، نظریه‌ای تحت عنوان سرنام ام آی سی ایبی معرفی شد. این نظریه فقط به گسترش بعد انگیزه‌های مرتکب‌شوندگان تقلب و به اهمیت ۴ سازه در این زمینه پرداخت: (۱) پول، (۲) ایدئولوژی، (۳) اضطراب و (۴) نفس (ادعا). بعد از آن، نظریه مثلث عمل تقلب معرفی شد. این نظریه به اعمالی که فرد باید انجام دهد (عمل، پنهان‌کاری و تغییر) تا مرتکب تقلب شود پرداخت و به دیگر سازه‌های احتمالی مؤثر در تقلب اشاره‌ای نکرد. پس از آن الگوی حسابرسی با توجه به تقلب بیان شد که این الگو متمرکز بر تفکر نقش حسابرسان در ارتباط با ارزیابی ریسک تعویق و کشف گزارشگری مالی متقلبان است و همانند سایر الگوها به دیگر ابعاد توجهی نکرده است. با این وجود، الگوی حسابرسی تقلب مثلث تقلب را ارتقاء می‌دهد، به بررسی عوامل تقلب می‌پردازد و مثلث عمل تقلب را اجرا می‌کند و معیارهای ضد تقلب را نیز ارائه می‌کند. بعد از آن، الگوی لوزی تقلب جدید معرفی شد. این الگو با معرفی دو بعد جدید کمال شخصی و حاکمیت شرکتی به بسط لوزی تقلب پرداخت و فایده آن در ارزیابی ریسک

تقلب است. در مرحله بعد، الگوی مقیاس تقلب (۲) بیان شد که اجزاء آن با سیستم کنترل داخلی در ارتباطند که باعث تکامل مثلث و هم‌چنین، مربع تقلب شد اما، هم‌چنان برخی ابعاد از قبیل ابعاد اقتصادی و اجتماعی را نادیده گرفت. سپس، الگوی تقلب تمایل محور معرفی شد که این الگو به روانشناسی و تعاملات بین انگیزه برای عمل و انگیزه برای تمایل پرداخت و سازه جدیدی معرفی نکرد. بعد از آن، الگوی پنج ضلعی تقلب (۳) معرفی شد. این نظریه نیز به بعد «اخلاق و اخلاق شخصی» که در مثلث و لوزی تقلب به آن اشاره‌ای نکرده بودند، توجه کرد. در نهایت، فرالگوی جرم یقه سفید معرفی شد. این الگو سعی دارد احتمال ارتکاب تقلب (عمل)، پنهان‌سازی و تبدیل آن را به اجزاء شخصی مثلث تقلب (فشار، فرصت و توجیه) اضافه کند و به دنبال شناسایی مکمل‌های روانی یا سوابق جامعه‌شناختی (شخصیت و ویژگی‌های رفتاری) برای توضیح آن تمایلات در برخورد با تقلب هستند. در نتیجه، فرالگوی چندبعدی ارائه شده به این دلیل که تلفیقی از الگوهای قبلی (مثلث، مربع، مقیاس تقلب و غیره) است و تمامی ابعاد احتمالی مربوط به ارتکاب تقلب را در نظر گرفته است تقریباً خلاء موجود در الگوها و مطالعات قبلی را برطرف کرده است و می‌توان به عنوان الگویی کامل‌تر از آن استفاده کرد.

خلاصه الگوهای تقلب بیان شده در نگاره ۱۸ ارائه شده است.

نگاره ۱۸: خلاصه الگوهای تقلب

مثلث تقلب	برای ارتکاب تقلب، هر یک از این سه معیار باید وجود داشته باشد: فشار درک‌شده، فرصت درک‌شده و توجیه.
مقیاس تقلب (۱)	این الگو ویژگی‌های شخصی و محیط شغلی را ترکیب می‌کند. در این الگو بعد توجیه با سازه‌های قابل مشاهده‌تر همانند کمال شخصی جایگزین شد. این الگو متکی بر دو جزء فشار و فرصت از مثلث تقلب است اما، توجیه با کمال شخصی جایگزین شده است
مکعب تقلب	بحث اصلی این الگو اپیدئولوژی است و بر این اساس است که جرائم رایانه‌ای دارای سه بعد رابطه، تخصص و انگیزه است. این الگو برگزیده سازه‌های نگرش نسبت به رفتار، هنجار درونی و کنترل رفتاری است که بر نیت اثر می‌گذارد.
لوزی تقلب	در این الگو ضلع چهارم قابلیت به مثلث تقلب اضافه شد. استدلال می‌شود که وجود سه عامل مثلث تقلب بدون شخصی که توانایی بهره‌برداری از فرصت‌ها را داشته باشد بی‌معنی است.
مربع تقلب (۱)	این الگو شامل چهار جزء انگیزه، فرصت، توجیه و شایستگی است.
پنج ضلعی تقلب (۱)	در این الگو ابعاد خودبینی و قابلیت افزون بر اجزاء مثلث تقلب وجود دارد.
ABC	مدل ای بی سی شامل اثر متقابل اشخاص، سازش برخی افراد و سازوکار-های فرهنگی و اجتماعی است که بر تقلب اثر می‌گذارد. این الگو شرایط قبلی مثلث تقلب را گسترش می‌دهد.
مربع تقلب (۲)	مثلث تقلب باید گسترش یابد تا تأثیرات سطح اجتماعی را دربرگیرد و زمینه‌های بین‌المللی را نیز شامل شود. این الگو، الگوی تقلب سنتی، که تأثیرات در سطح فردی و سازمانی بر تقلب را با هم ترکیب می‌کند، بسط داده و تأثیرات در سطح اجتماعی بر تقلب را شامل می‌شود.
پنج ضلعی تقلب (۲)	این الگو بعد سلب آزادی کارکنان و حرص شخصی به عنوان چهارمین و پنجمین جزء پنج ضلعی تقلب به پیشنهاد می‌دهد

<p>این الگو شامل سه مثلث است که هر یک به دیگری متصل می‌شوند. عناصر مثلث داخلی متجاوزان بالقوه، هدف جرم و مکان برای جرم هستند. مثلث داخلی نشان‌دهنده سه عنصر لازم برای متخلف جهت ارتکاب تقلب است. مثلث میانی نشان‌دهنده نظارت بر هر جزء مثلث داخلی که می‌تواند از وقوع جرم جلوگیری کند به این شرح است: رسیدگی‌کننده، نگهبان و مدیر. مثلث میانی نشان‌دهنده نظارت بر متخلف، مکان و هدف است. مثلث بیرونی نشان‌دهنده کنترل‌کننده مافوق است که رفتار ناظر در مثلث میانی را تنظیم می‌کند.</p>	<p>مثلث جرم نظریه فعالیت روزمره</p>
<p>در این الگو جزء فشار از مثلث تقلب تعدیل می‌شود. انگیزه‌های مرتکب-شوندگان تقلب ممکن است گسترش یابد و با M.I.C.E. شناخته شود: M: پول؛ I: ایدئولوژی؛ C: اضطرار؛ و E: نفس (ادعا).</p>	<p>ام آی سی ایی</p>
<p>مثلث تقلب، شرایطی که ممکن است تقلب روی دهد را شناسایی می‌کند. اما، مثلث عمل تقلب، به اعمالی که فرد باید انجام دهد تا مرتکب تقلب شود، می‌پردازد. سه جزء مثلث عمل تقلب عبارتند از: عمل، پنهان‌کاری، و تغییر.</p>	<p>مثلث عمل تقلب</p>
<p>این الگو متمرکز بر تفکر نقش حساب‌برسان در ارتباط با ارزیابی ریسک تعویق و کشف گزارشگری مالی متقلبانه است. در این الگو از مثلث تقلب استفاده می‌شود.</p>	<p>الگوی حسابرسی تقلب</p>
<p>اعتقاد بر این است که برای حسابداران، به‌ویژه حسابداران دادگاهی، مهم است که همه الگوهای تقلب را در نظر بگیرند تا علت ارتکاب تقلب را درک کنند. بنابراین، تمام الگوهای تقلب باید در یک الگو که شامل انگیزه، فرصت، کمال شخصی، قابلیت و حاکمیت شرکتی است، یکپارچه شوند. اجزاء مقیاس تقلب (۲) عبارتند از انگیزه، شرایط، احتمالات و فهم. تمامی این اجزاء ارتباط نزدیکی با سیستم کنترل داخلی دارند.</p>	<p>الگوی لوزی تقلب جدید مقیاس تقلب (۲)</p>
<p>اجزاء الگوی تقلب تمایل محور شامل: توجیه‌ها به عنوان نتیجه شکست در سطح حل و فصل، در زمان وسوسه فرد هستند. تمایل به سرگرمی، لازم به ذکر است که در این الگو موانع با کنترل داخلی همانند یادزهری برای فرصت‌ها همبوشانی دارد.</p>	<p>الگوی تقلب تمایل محور</p>
<p>نظریه لوزی تقلب به تنهایی ابزاری ناکافی برای بررسی، تعویق، جلوگیری و کشف تقلب است زیرا عامل مهمی همانند اخلاق شخصی متقلبان به طور کلی نادیده گرفته شده است. این الگو این بعد پنجم را در نظر گرفته است. این الگو سعی دارد احتمال ارتکاب تقلب (عمل، پنهان‌سازی و تبدیل آن) را به اجزاء شخصی مثلث تقلب اضافه کند. این الگو به دنبال شناسایی مکمل‌های روانی یا سوابق جامعه‌شناختی (شخصیت و ویژگی‌های رفتاری) برای توضیح آن تمایلات در برخورد با تقلب هستند.</p>	<p>پنج ضلعی تقلب (۳) فرالگوی جرم یقه سفید</p>
<p>در فرالگوی چند بعدی، تقلب دارای چهار بعد است که سه بعد آن مالی و بعد دیگر آن غیرمالی است. این ابعاد مالی عبارتند از ابعاد شرایطی، موقعیتی، هنجاری. بعد غیرمالی عبارت است از ابعاد هوش انسانی. هر یک از این چهار بعد را می‌توان در سه سطح کلی فردی، سازمانی و جامعه و بین‌المللی مورد تحلیل قرار داد.</p>	<p>فرالگوی چندبعدی</p>

منبع: پژوهشگران

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف اصلی این پژوهش، بررسی ادبیات حسابداری به منظور تعیین انگیزه‌های تقلب مالی و بررسی سیر تکاملی الگوهای اولیه تقلب و جرم‌های مالی شامل مثلث تقلب و کارهای با اهمیت بعدی بود. در این راستا، چارچوبی به هم پیوسته در قالب فرالگو برای بررسی نظریه‌های تقلب

ارائه شد. هم‌چنین، این پژوهش به بررسی نظریه‌های بنیادی پرداخت که سعی در توضیح انگیزه‌های مالی جرائم از جمله نظریه تقلب دارند و سپس درباره سازه‌های اضافی که به دنبال توضیح انگیزه‌ها و شرایط متقلبان که فراتر از مثلث تقلب بودند، توضیحاتی ارائه کرد. از طریق فرالگو، با استفاده از فن تحلیل محتوا، بسیاری از نظریه‌های مربوط به تقلب به گونه‌ای با هم ترکیب شدند و به توضیح ویژگی‌های مجرمان یقه سفید به شیوه‌ای جامع پرداخته شد. فرالگوی ارائه شده چارچوبی برای بحث و بررسی تأثیرگذاری در نظر گرفته شده از تلاش‌های فردی جامعه ضدتقلب را ارائه می‌دهد. هم‌چنین، این الگو محیطی یکپارچه و هماهنگ برای حرفه ضدتقلب ایجاد می‌کند. شکل‌های زیادی از نظریه جرم یقه سفید و تقلب در متون حسابداری وجود دارد (کرانچار و همکاران، ۲۰۰۸: ۵۷۶) اما، رابطه صریحی بین نظریه‌های متفاوت و چرایی ارتکاب تقلب به وسیله اشخاص ایجاد نشده است. در این پژوهش با ارائه الگوهای بعدی مثلث تقلب از جمله مقیاس تقلب، لوزی تقلب و چارچوب جامع فرالگو از نظریه تقلب این خلا رفع شده است. الگوهای نظری با جنبه‌های اخلاقی مرتکب‌شوندگان در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ در کارهای کریسی مشاهده می‌شوند. درک کارهای اولیه همانند مثلث تقلب و الگوهای توسعه‌یافته بعد از آن که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند مهم است. فرالگوی ارائه شده در این پژوهش نیز به عنوان چارچوبی برای شناسایی حوزه‌های بالقوه برای تقلب، برجسته‌کردن ویژگی‌های متقلبان و شناسایی اثرات این ویژگی‌ها بر تقلب ارائه شد.

یکی از کاربردهای فرالگوی ارائه شده استفاده از آن به وسیله پژوهشگران آتی است تا به وسیله آن به پژوهش در حوزه‌های کشف نشده تقلب، با توجه به حوزه‌هایی از تقلب که کم‌تر بر آن‌ها تمرکز شده است همانند جنبه‌های روانشناسی و اجتماعی تقلب و کاربرد عملی آن‌ها با الگوهای جدید، بپردازند. در نهایت، با توجه به فرالگوی چند بعدی، به مدیران شرکت‌ها و حساب‌برسان پیشنهاد می‌شود با توجه به اجراء انواع کنترل‌های مناسب از جمله کنترل داخلی، سیستمی و غیره به پیشگیری از تقلب بپردازند. هم‌چنین، مدیران شرکت می‌توانند با ارائه سایر راهکارهای ضدتقلب شامل ایجاد جو اخلاقی مناسب همراه با ایجاد انگیزه برای کارکنان، از وقوع تقلب جلوگیری کنند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است از جمله محدودیت در تعداد مقاله‌های منتشرشده در این زمینه و انجام تحلیل محتوای مربوط به این مقاله‌ها. با وجود این، تلاش شد مفاهیم مهم تقلب مالی، اجزای مهم الگوها و کاربرد مهم آن‌ها در حسابداری ارائه شوند.

یادداشت‌ها

- | | |
|------------------------------------|--|
| 1-Financial Fraud | 41-Marks |
| 2-Kranacher | 42-White-Collar |
| 3-Karpoff | 43-Ramamoorti |
| 4-Fraud Triangle | 44-Bad Apple, Bad Bushel, and Bad Crop |
| 5-Fraud Diamond | 45-Rest |
| 6-Ross | 46-Goldman |
| 7-Singleton | 47-Fraud Triangle with Routine Activity Theory |
| 8-Dorminey | 48-Felson |
| 9-Kravitz | 49-Sampson |
| 10-Moral and ethics | 50-Coleman |
| 11-Elsayed | 51-Ideology |
| 12-Barnman and White | 52-Coercion |
| 13-Kohlberg and Hersh | 53-Ego |
| 14-Differential association theory | 54-Unconstitutional |
| 15-General strain theory (GST) | 55-Triangle of Fraud Action |
| 16-Sutherland | 56-Concealment |
| 17-Koller | 57-Conversion |
| 18-Agnew | 58- Ill-gotten |
| 19-Cressey | 59- Trompeter |
| 20-Rae and Subramaniam | 60- Risk of deterring |
| 21-Omar and Din | 61- Gbegi and Adebisi |
| 22-Festinger | 62- Mackevicius & Giriunas |
| 23-Cooper | 63-Association of Certified Fraud Examiners (ACFE) |
| 24-Albrecht | 64- Disposition-based Fraud |
| 25-Donagan and Ganon | 65-Baumeister |
| 26-Cieslewicz | 66- Sorunke |
| 27-Hofstede | 67-Predator |
| 28-Fraud Scale | 68- Boyle |
| 29-Integrity | 69- Kuhn |
| 30-Fraud Cube | 70-Jackson |
| 31-Doost | 71-Self-control |
| 32-Planned Behavior | 72- Control Balance |
| 33-Ajzen | 73- Alien Conspiracy |
| 34-Carpenter and Reimers | 74- Social Control |
| 35-Randall and Gibson | 75- Contractual |
| 36-Wolfe and Hermanson | 76- Von Lampe |
| 37-Huber | 77- Social Exchange |
| 38-Fraud Square | 78- Artz & Brush |
| 39-Bressler and Bressler | 79- Smith |
| 40-Fraud Pentagon | 80-Elsevier, Proquest, Science Direct, Emerald, Google, SSRN |

کتابنامه

۱. اعتمادی، حسین و لیلا عبدلی. (۱۳۹۶). کیفیت حسابرسی و تقلب در صورت‌های مالی. دانش حسابداری مالی، ۴ (۴): ۴۳-۲۳.
۲. پورحیدری، امید و سعید بذرافشان. (۱۳۹۱). بررسی اثر ویژگی‌های فردی حسابرسان در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب. دانش حسابداری مالی، ۱ (۳): ۵۲-۲۸.
۳. خواجوی، شکراله و مهرداد ابراهیمی (۱۳۹۷). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی در تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۲ (۱۲): ۸۴-۷۱.
۴. رهروی دستجردی، علیرضا؛ فروغی، داریوش و غلامحسین کیانی (۱۳۹۶). ارزیابی خطر تقلب مدیران با استفاده از روش داده‌کاوی، دانش حسابداری، ۹ (۱): ۱۱۴-۹۱.
۵. سجادی، سیدحسین و توحید کاظمی (۱۳۹۵). الگوی جامع گزارشگری مالی متقلبانه در ایران به روش نظریه‌پردازی زمینه‌بنیان. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۶ (۲۱): ۲۰۴-۱۸۵.
۶. صدیقی‌کمال، لیلا (۱۳۹۲). تقلب در صورت‌های مالی بر اساس گزارش انجمن بازرسان تقلب. حسابرس، ۶۵: ۱۲۰-۱۱۶.
۷. نمازی، محمد و حسین رجب‌دری. (۱۳۹۶). بررسی تعداد و تحلیل محتوای مقاله‌های مرتبط با اخلاق حرفه‌ای حسابداری در ایران. پیشرفت‌های حسابداری، ۹ (۱): ۲۲۶-۱۹۳.

References

1. Agnew, R. (2012). Reflection on "A revised strain theory of delinquency". *Social forces*, 91(1), 33-38.
2. Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*. 50(2): 179-211.
3. Artz, K. W., & Brush, T. H. (2000). Asset specificity, uncertainty and relational norms: an examination of coordination costs in collaborative strategic alliances. *Journal of Economic Behavior & Organization*. 41(4): 337-362.
4. Association of Certified Fraud Examiners (ACFE). (2012). Report to the nation on occupational fraud & abuse [interaktyvus]. Prieiga per internetą: <http://www.acfe.com/rtnn/rtnn-2012.pdf>
5. Albrecht, C. O. (2008). International fraud: A management perspective. Ph. D. Dissertation University Ramon Lull.
6. Albrecht, W. S., K. R. Howe, and Romney, M. B. (1984). *Deterring Fraud: The Internal Auditor's Perspective*. Altomonte Springs, FL: The Institute of Internal Auditors' Research Foundation.
7. Albrecht, W. S., C. C. Albrecht, and Albrecht, C. O. (2006). *Fraud Examination*. New York, NY: Thomson South-Western.
8. Baumeister, R. F., Heatherton, T. F., & Tice, D. M. (1994). *Losing Control: How and Why People Fail at Self-regulation*. Academic Press.

9. Baumeister, R. F., Bratslavsky, E., Muraven, M., & Tice, D. M. (1998). Ego depletion: is the active self a limited resource? *Journal of Personality and Social Psychology*. 74(5): 12-52.
10. Bressler, M. S., & Bressler, L. A. (2007). A model for prevention and detection of criminal activity impacting small business. *The Entrepreneurial Executive*. 12 (1), 23.
11. Boyle, D. M., DeZoort, F. T., & Hermanson, D. R. (2015). The effect of alternative fraud model use on auditors' fraud risk judgments. *Journal of Accounting and Public Policy*. 34(6): 578-596.
12. Carpenter, T. D., & Reimers, J. L. (2005). Unethical and fraudulent financial reporting: applying the theory of planned behavior. *Journal of Business Ethic*. 60(2): 115-129.
13. Cieslewicz, J. (2010). The Fraud Square: Societal Influences on the Risk of Fraud. In *American Accounting Association Annual Meeting* (Vol. 31).
14. Cieslewicz, J. K. (2012). The fraud model in international contexts: a call to include societal-level influences in the model. *Journal of Forensic and Investigative Accounting*. 4(1): 214-254.
15. Coleman, J. W. (1987). Toward an integrated theory of white-collar crime. *American Journal of Sociology*. 93(2): 406-439.
16. Cooper, D. J., Dacin, T., Palmer, D. A. (2013). Fraud in accounting, organizations and society: extending the boundaries of research. *Accounting, Organizations and Society*. 38 (2): 440-457.
17. Cressey, D. R. (1950). The criminal violation of financial trust. *American Sociological Review*. 15(6): 738-743.
18. Cressey, D. R. (1953). *Other People's Money: The Social Psychology of Embezzlement*. New York, NY: The Free Press.
19. Doost, R. K. (1990). Accounting irregularities and computer fraud. *National Public Accountant*. 35(5): 36-39.
20. Donegan, J. J. and Ganon, M. W. (2008). Strain, differential association, and coercion: insights from the criminology literature on causes of accountant's misconduct. *Accounting and the Public Interest*. 8 (1): 1-20.
21. Dorminey, J., Fleming, A. S., Kranacher, M. J., & Riley Jr, R. A. (2012). The evolution of fraud theory. *Issues in Accounting Education*. 27(2): 555-579.
22. Etemadi, H. and Abdoli, L. (1396). Audit Quality and Fraud in Financial Statements. *Financial Accounting Knowledge*. 4 (4): 23-43 (In Persian).
23. Felson, M. (1986), "Linking Criminal Choices, Routine Activities, Informal Control and Criminal Outcomes", in Cornish, D.B. and Clarke, R.V. (Eds), *The Reasoning Criminal: Rational Choice Perspectives on Offending*, Criminal Justice Press, New York, NY.
24. Festinger, L. (1957). *A Theory of Cognitive Dissonance*. Stanford, CA: Stanford University Press.
25. Gbegi, D. O., & Adebisi, J. F. (2013). The new fraud diamond model—how can it help forensic accountants in fraud investigation in Nigeria. *European Journal of Accounting Auditing and Fiancé Research*. 1(4): 129-138.

26. Goldman, P. (2010), *Fraud in the Markets*, John Wiley and Sons, Hoboken, NJ.
27. Hofstede, G. (1980). *Culture's Consequences: International Differences in Work-related Values*. Beverly Hills, CA: Sage Publications.
28. Hofstede, G. (1991). *Cultures and Organizations. Intercultural Cooperation and its Importance for Survival. Software of the Mind. London: Mc Iraw-Hill.*
29. Huber, W. (2017). Forensic accounting, fraud theory, and the end of the fraud triangle. *Journal of Theoretical Accounting Research*. 12(2).
30. Jackson, R. W., Wood, C. M., & Zboja, J. J. (2013). The dissolution of ethical decision-making in organizations: a comprehensive review and model. *Journal of Business Ethics*. 116(2): 233-250.
31. Karpoff, J. M., Lee, D. S., & Martin, G. S. (2008). The cost to firms of cooking the books. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*. 43(3): 581-611.
32. Khajavi, S. H. and Ebrahimi, M. (1397). Investigating the Effect of Corporate Governance Mechanisms on Fraud on the Financial Statements of the Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Asset Management and Financing*, 2 (12): 71-84 (In Persian).
33. Kohlberg, L., & Hersh, R. H. (1977). Moral development: A review of the theory. *Theory into practice*, 16(2), 53-59.
34. Koller, C. A., Patterson, L. A., & Scaff, E. B. (2014). When moral reasoning and ethics training fail: Reducing white collar crime through the control of opportunities for deviance. *Notre Dame JL Ethics & Pub. Pol'y*, 28 (2), 549-578.
35. Kravitz, R. H. (2012). Auditors' responsibility for detecting fraud: Putting ethics and morality first. *The CPA Journal*, 82(6), 24-30.
36. Kuhn, T. S. (1963). *The Structure of Scientific Revolutions* (Vol. 2). Chicago: University of Chicago Press.
37. Kranacher, M. J., Morris, B. W., Pearson, T. A., & Riley Jr, R. A. (2008). A model curriculum for education in fraud and forensic accounting. *Issues in Accounting Education*. 23(4): 505-519.
38. Kranacher, M. J., R. A. Riley Jr., and J. T. Wells. (2011). *Forensic Accounting and Fraud Examination*. New York, NY: John Wiley & Sons.
39. Mackevicius, J., & Girunas, L. (2013). Transformational research of the fraud triangle. *Ekonomika*. 92(4): 150.
40. Marks, J. (2009). *Playing Offense in a High-risk Environment*. Crowe Horwath, New York.
41. Namazi, M. and Rajabdorri, H. (1396). Investigating the Number and Content Analysis of Articles Related to Accounting Professional Ethics in Iran. *Accounting Advances*, 9 (1): 193-226 (In Persian).
42. Omar, N. B., and Din, H. F. M. (2010). Fraud Diamond Risk Indicator: An Assessment of Its Importance and Usage. In *Science and Social Research (CSSR), 2010 International Conference on IEEE*, Pp. 607-612.
43. PourHeydari, O. and Bazrafshan, S. (1391). Investigating the Effect of Individual Characteristics of Auditors on Determining the Importance of Fraud Risks. *Financial Accounting Knowledge*, 3 (1): 28-52 (In Persian).

44. Rae, K., and Subramaniam, N. (2008). Quality of internal control procedures: antecedents and moderating effect on organizational justice and employee fraud. *Managerial Auditing Journal*, 23(2): 104-124.
45. Rahroyedastjerdi, A., Foroughi, D. and Kiyani, G. H. (1396). Assessing the Risk of Fraud by Managers Using Data Mining, *Accounting Knowledge*, 19 (1): 91-114 (In Persian).
46. Randall, D. M. and Gibson, A. M. (1991), 'Ethical decision making in the medical profession: an application of the theory of planned behavior', *Journal of Business Ethics*, 10 (2): 111-122.
47. Ramamoorti, S. (2008). The psychology and sociology of fraud: integrating the behavioral sciences component into fraud and forensic accounting curricula. *Issues in Accounting Education*, 23(4): 521-533.
48. Ramamoorti, S., D. Morrison, and J. W. Koletar. (2009). Bringing Freud to Fraud: Understanding the State of- Mind of the C-Level Suite/White Collar Offender Through "A-B-C" Analysis. Working Paper, Institute for Fraud Prevention.
49. Raval, V. (2016). A disposition-based fraud model: Theoretical integration and research agenda. *Journal of Business Ethics*, 150 (3): 741-763.
50. Rest, J. R., D. Narvaez, T. S. J., and M. J. Bebeau. (1999). DIT2: Devising and testing a revised instrument of moral judgment. *Journal of Educational Psychology*, 91 (4): 644-659.
51. Ross, B. (2010). What are the Requirements for Fraud? *Lawyers.com*. Retrieved from <http://research.lawyers.com/blogs/archives/4184-what-are-the-requirements-for-fraud.html>.
52. Sajadi, S. H. and Kazemi, T. (1395). A Comprehensive Fraudulent Financial Reporting Model in Iran by a Theoretical Approach, *Empirical Accounting Research*, 6 (21): 185-204 (In Persian).
53. Sampson, R., Eck, J. E., & Dunham, J. (2010). Super controllers and crime prevention: A routine activity explanation of crime prevention success and failure. *Security Journal*, 23(1), 37-51.
54. Sedighikamal, L. (1392). Fraud in Financial Statements Based on the Report of the Association of Fraud Inspectors. *Auditor*, 65: 116-120 (In Persian).
55. Singleton, T. W., Singleton, A. J., Bologna, J. and Lindquist, R. J. (2006). *Fraud Auditing and Forensic Accounting*, 3rd Edition, John Wiley & Sons, New Jersey.
56. Smith M. (2017). *Research Method in Accounting*. London: Sage Publication Ltd.
57. Sorunke, O. A. (2016). Personal ethics and fraudster motivation: the missing link in fraud triangle and fraud diamond theories. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 6(2): 159-165.
58. Trompeter, G. M., Carpenter, T. D., Desai, N., Jones, K. L., & Riley Jr, R. A. (2012). A synthesis of fraud-related research. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32(1): 287-321.

59. Von Lampe, K. (2005). "Organized Crime in Europe", in Reichel, P. (Ed.), Handbook of Transnational Crime and Justice, Sage, London.
60. Wolfe, D. T., and Hermanson, D. (2004). The fraud diamond: considering the four elements of fraud. The CPA Journal.